اماکن زیارتی منتسب به امام زمان(عج) در ایران و جهان(۳)

(مسجد کوفه)

علی اکبر مهدی‌پور

اشاره:

مسجد اعظم کوفه، یکی از کهن‌ترین اماکن زیارتی منتسب به حضرت بقیة الله (ارواحنافداه)، مرکز قضاوت، محل نصب منبر، محل تأسیس کلاس‌های آموزش قرآن و محل اقامه‌ی نماز جمعه و جماعت آن حضرت در عهد ظهور است.

مسجد کوفه در اصل بسیار گسترده بود. مهدی موعود (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) به هنگام ظهور آن را منهدم می کند و به پایه‌های نخستین برمی گرداند و سه مسجد دیگر در کنار آن بنیاد می‌نهد.

سیمای مسجد کوفه از منظر، آیات، روایات، حوادث تاریخی و تشرف نیک بختان به محضر آن کعبه مقصود، در این نوشتار در حد توان ترسیم گشته است.

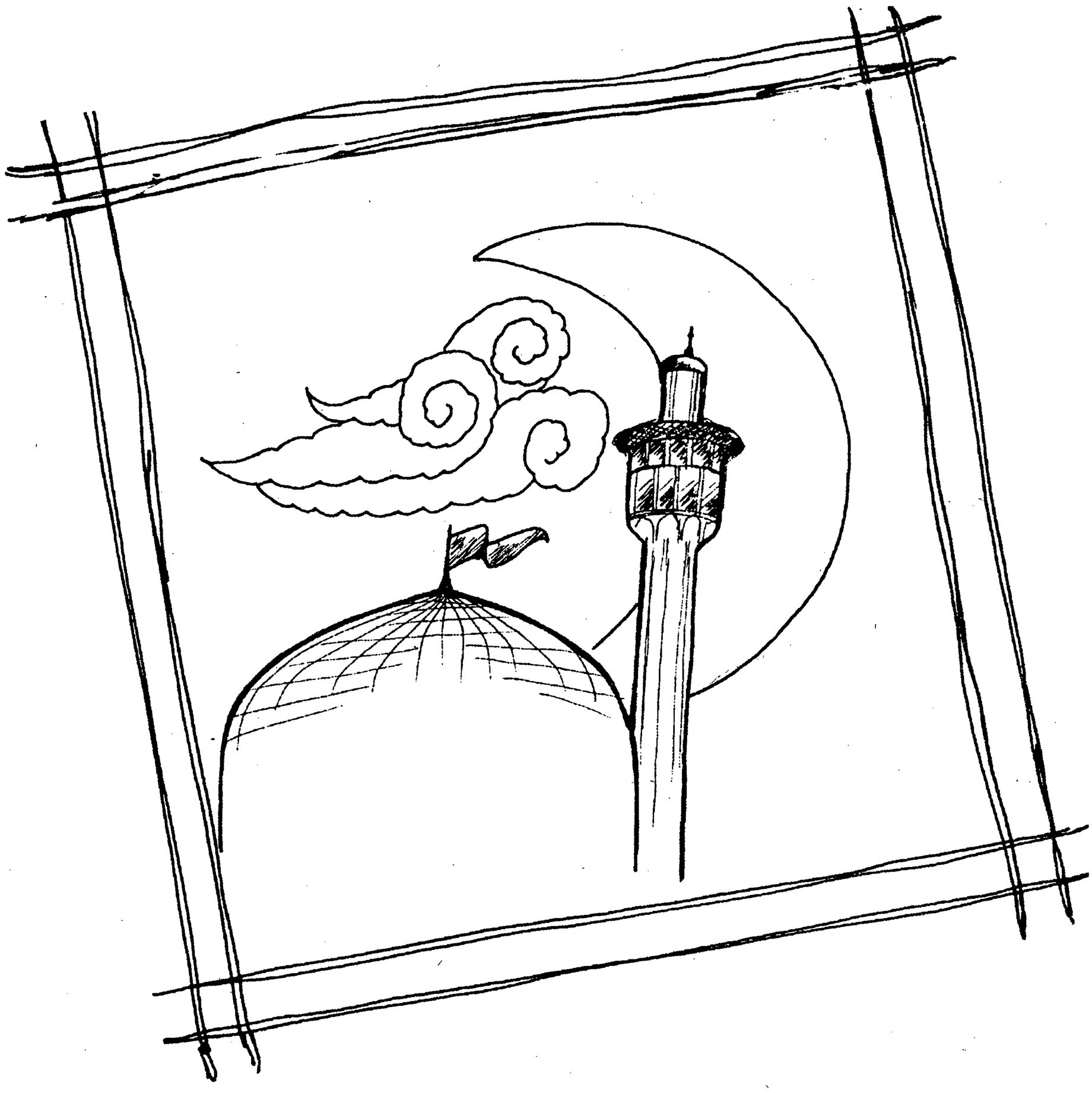

مرکز دادرسی آن امام نور در هنگامه‌ی ظهور

روزگاری مسجد اعظم کوفه مرکز داوری و دادرسی مولای متقیان امیرمؤمنان (علیه السلام) بود به هنگام ظهور نیز مرکز داوری و دادرسی فرزند برومندش حضرت بقیة الله (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) خواهد بود.

۱. ششمین امام نور در این رابطه می فرماید:

دارُ مُلکه الکُوفَةُ وَ مَجلسُ حُکمه جامعُها.[۱]

مرکز حکومت او، کوفه، و مرکز قضاوت و دادرسی او مسجد اعظم کوفه است.

پایگاه تبلیغاتی امام زمان (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف)

روزگاری شیفتگان خاندان عصمت و طهارت در مسجد اعظم کوفه، پیروآن منبر امیر

بیان، مولای متقیان (علیه السلام) گرد می‌آمدند و از بیانات درُر بارش کسب نور می کردند.[۲] در هنگامه‌ی ظهور نیز در پیرامون منبر آخرین امام نور گرد می‌آمدند و از سخنان گهر بارش فیض می برند.

۲. امام صادق (علیه السلام) در این رابطه می فرماید:

کأنّی اَنظُرُ الی القائمِ عَلی مِنبَرِ الکُوفَةِ وَحَولَهُ اصحابُهُ، ثَلاثُ مائَة و ثَلاثَة عَشَرَ رَجُلاً عِدَّةَ أهلِ بَدر، وَهُم اَصحابُ الألوِیَة، و هُم حُکّامُ الله فی أرضِهِ عَلی خَلقِه.[۳]

گویی به سوی قائم (علیه السلام) می نگرم که بر فراز منبر مسجد کوفه قرار گرفته، تعداد ۳۱۳ تن یارانش در اطراف او حلقه زده‌اند. که پرچم داران و فرمان روایان خداوند برفراز گیتی در میان بندگان خدایند.

۳. امام باقر (علیه السلام) در همین رابطه می فرماید:

یَدخُلُ المَهدیُّ (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) الکوفَة وَ بها ثَلاثُ رایاتٍ قَد اضطَرَبَت، فَیَصطفّوا لَهُ و یَدخُلُ حَتّی یَاتِیَ المِنبَرَ، فَیخطُبُ فَلا یَدریِ النّاسُ ما یَقولُ مِنَ البُکاء.[۴]

مهدی (علیه السلام) وارد کوفه می شود سه گروه درگیر در یک صف برای او گرد آیند، او بر فراز منبر می رود، خطبه می‌خواند و مردم آن قدر اشک شوق می ریزند که متوجه سخنان او نمی شوند.

۴. ابان بن تغلب گوید: در محضر امام صادق (علیه السلام) در ناحیه‌ی کوفه بودم. در سه نقطه پیاده شدند و در هر نقطه دو رکعت نماز گزاردند، در توضیح آن سه نقطه فرمودند: یکی از آنها محل قبر امیر مؤمنان (علیه السلام) و دیگری محل نهادن سر مقدس امام حسین (علیه السلام) بود، اما سومی:

و الثّالِثُ مَوضِعُ منبر القائِمِ (علیه السلام)؛[۵]

سومی محل منبر حضرت قائم (علیه السلام) بود.

ستاد اقامه‌ی جمعه و جماعت حضرت بقیة الله (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف)

روزگاری مسجد کوفه محل برگزاری جمعه و جماعت میر هدایت، شاه ولایت، حضرت علی (علیه السلام) بود، روزگاری بس دراز نیز محل اقامه‌ی جمعه و جماعت آخرین سفیر الهی خواهد بود.

۵. امیرمؤمنان (علیه السلام) در یک خطبه‌ی طولانی، ویژگیهای مسجد کوفه می‌فرماید:

«ای اهل کوفه، خداوند به شما نعمت هایی عطا فرموده که به هیچ کس عطا نکرده است. از برتری محل برگزاری نماز شما این است که اینجا خانه ی آدم، خانه ی نوح، خانه ی ادریس، عبادتگاه حضرت ابراهیم خلیل و عبادتگاه برادرم حضرت خضر (علیه السلام) بود و امروزه محل عبادت و مناجات من است.»

سپس در ادامه فرمود:

وَلَیأتِیَن عَلَیهِ زَمانٌ یَکونُ مُصَلَّی المَهدیّ (علیه السلام) مِن وُلدی و مُصَلّی کُلِّ مؤمِنٍ. و لا یَبقی عَلَی الاَرضِ مُؤمِنٌ اِلاّ کانَ بِهِ، او حَنَّ قَلبُهُ اِلَیه؛[6]

برای مسجد کوفه زمانی فرا می رسد که محل برگزاری نماز حضرت مهدی (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) از تبار من و محل عبادت هر مؤمن می شود. هیچ مؤمنی در روی زمین نمی ماند، جز این که به این مسجد بیاید، یا قلبش برای این مسجد پربزند.

۶. امیرمؤمنان (علیه السلام) گشت و گزاری در سرزمین فعلی نجف کردند، از توسعه ی روز افزون کوفه صحبت کردند و فرمودند:

در سرزمین حیره[7] مسجدی با پانصد در ساخته می شود که نماینده ی حضرت قائم (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) در آن نماز می گذارد، زیرا مسجد کوفه برای آنها گنجایش نخواهد داشت.

و در آن دوازده امام عادل، امامت می کند.

راوی پرسید: آیا مسجد کوفه گنجایش آن همه جمعیت را خواهد داشت؟

فرمود: **تُبنی لَهُ اَربَعُ مَساجِدَ، مَسجِدُ الکوفَةِ اَصغَرُها و هذا و مَسجِدان فی طَرَفَیِ الکُوفَة مِن هذَا الجانَبَ.**[8]

برای آن حضرت چهار مسجد ساخته می شود که مسجد کوفه کوچک ترین آنها خواهد بود، و این مسجد (مسجد حیره با پانصد در) و دو مسجد در دو طرف کوفه، از این سمت. (با دست مبارک اشاره فرمودند به سوی بصره و نجف).

۷. امام صادق (علیه السلام) در این رابطه می فرماید:

اذا قامَ قائِمُ آلِ مُحمّدٍ (علیه السلام) بَنی فی ظَهرِ الکُوفَة مَسجِداً لَهُ اَلفُ بابٍ، و اتّصَلَت بُیُوتُ اَهلِ الکوفَةِ بِنَهری کربَلا؛[9]

هنگامی که قائم آل محمد (علیه السلام) قیام کند، در پشت کوفه مسجدی تأسیس می کند که هزار در دارد، و خانه های کوفه به دو رود کربلا متصل می شود.

توسعه‌ی مسجد اعظم کوفه

نخستین بنیانگذار مسجد کوفه حضرت آدم (علیه‌السلام) می‌باشد و در گذشته خیلی وسیع‌تر از ساختمان فعلی آن بوده است.

۸. امیرمؤمنان (علیه‌السلام) در مقابل درب مسجد می‌ایستاد، تیری در چلّه‌ی کمان نهاده، پرتاب می‌کرد، تیر در میان خرما فروش‌ها می‌افتاد، می‌فرمود: تا آنجا جزو مسجد بوده است و می‌فرمود:

قَد نَقَصَ مِن اساسِ المِسجِدِ مِثلُ ما نَقَصَ فی تَربیعِهِ؛[۱۰]

از اساس مسجد به مقداری کم از مربّع شدن آن کاسته، کم شده است.[۱۱]

۹. حذیفة بن یمان گوید:

به مقدار دوازده هزار ذراع از مساحت آن کم شده است.[۱۲]

۱۰. مفضل گوید: در محضر امام صادق (علیه‌السلام) بودم، هنگامی که در آخر بازار سرّاج‌ها، به طاق زیّاتین رسیدیم، از اسب پیاده شد و به من فرمود:

اِنزِل، فَاِن هذا الموضِعَ کانَ مَسجِدَ الکوفَةِ الاَول الذی خَطَّهُ آدَمُ (علیه‌السلام) و اَنَا اَکرَهُ اَن اَدخُلَهُ راکِباً.[۱۳]

پیاده شو، زیرا اینجا جزو نخستین مسجد کوفه است که حضرت آدم (علیه‌السلام) آن را طرح ریزی کرده بود، من دوست ندارم که سواره وارد شوم.

پرسیدم: چه کسی آن را تغییر داد؟

فرمود: نخستین دگرگونی آن در هنگامه‌ی طوفان رخ داد، سپس کسان کسری،[۱۴] بعداً نعمان[۱۵] و بعدها زیاد (ابن ابیه) آن را تغییر دادند.

۱۱. سابق بربری گوید: دیدم که امیرمؤمنان (علیه‌السلام) مسجد کوفه را وجب به وجب تا طاق زیات‌ها بنیاد نهاد.[۱۶] و این دقیقا منطبق می‌شود با آخر بازار سراج‌ها که در حدیث پیشین از امام صادق (علیه‌السلام) نقل کردیم.

۱۲. امام صادق (علیه‌السلام) فرمود:

اِن القائِمَ (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) اِذا اقامَ رَدَ البَیتَ الحَرامَ الی اساسَه، وَ رَدَ مسجدَ رسُولِ اللهَ (صلّی اللّهُ علیه و آله وسلّم) الی اساسِهِ، و رَدَ مسجِدَ الکوفَة الی اساسِهِ.[۱۷]

۱۳. امام باقر (علیه السلام) در فرازی از یک حدیث طولانی می فرماید:

اذا قامَ القائمُ (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) دَخَلَ الکوُفَةَ و امَرَ بهدَمِ المَساجِدِ الاَربَعَةِ حَتّی یَبلُغَ اَساسَها؛ [۱۸]

هنگامی که قائم (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) قیام کند، وارد کوفه می شود و فرمان می دهد که چهار مسجد را ویران کنند تا به پایه های نخسین بر گردد.

۱۴. امیرمؤمنان (علیه السلام) در مسجد کوفه خطاب به مسجد کوفه فرمود:

وای بر کسی که تو را ویران کند، وای بر کسی که مقدمات ویرانی تو را فراهم سازد، وای بر کسی که تو را با آجر بسازد و قبله ی حضرت نوح را تغییر دهد.

و در پایان فرمود:

طوُبی لِمَن شَهِدَ هِدمَکَ مَعَ قائِمِ اَهلِ بَیتی، اُولئکَ خَیارُ الاُمةِ مَعَ اَبرارِ العَترةِ. [۱۹]

خوشا به حال کسی که ویران کردن تو را در حضور قائم اهل بیت من درک کند. آنان برگزیدگان امت در محضر نیکان عترت هستند.

در این حدیث شریف، از دگرگون شدن قبله ی حضرت نوح (علیه السلام) گفت و گو شده است، در این رابطه علامه مجلسی (طاب ثراه) تحقیق بسیار ارزشمندی دارند، علاقه مندان به دائرة المعارف بزرگ بحار مراجعه فرمایند. [۲۰]

۱۵. امیرمؤمنان (علیه السلام) در حدیث دیگری در این رابطه می فرماید:

اما اِن قائمَنا اِذا قامَ کسَرَهُ و سَوّی قِبلَتَهُ؛ [۲۱]

چون قائم ما (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) قیام کند، مسجد کوفه را در هم می کوبد و قبله ی آن را اصلاح می فرماید.

کلاس‌های قرآن در مسجد کوفه

در احادیث فراوانی از تأسیس پایگاه های آموزش قرآن در مسجد کوفه بحث شده که به چند نمونه از آنها اشاره می شود:

۱۶. امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

کیفَ اَنتُم لَو ضَرَبَ اَصحابُ القائِمِ (علیه السلام) الفَساطیطَ فی مَسجِدِ کوُفانَ، ثُم یُخرَجُ اِلَیهِمُ المِثالُ المُستَأنَفُ، اَمرٌ جَدیدٌ عَلَی العرَبِ شَدیدٌ. [۲۲]

چگونه خواهید بود، هنگامی که اصحاب قائم (علیه السلام) در مسجد کوفه خیمه زده،

(قرآن را) به شیوه‌ی جدید عرضه می‌دارند، شیوه‌ای تازه که (آموزش و یا پذیرش آن) بر عرب دشوار است.

منظور از شیوه‌ی جدید آموزش قرآن به ترتیب نزول آیات است، چنان که در احادیث دیگر به آن اشاره شده:

۱۷. امیرمؤمنان (علیه‌السلام) در این رابطه می‌فرماید:

کَاَنّی اَنظُرُ اِلی شیعَتنا بمسجِدِ الکُوفَةِ، قَد ضَرَبُوا الفَساطیطَ یُعَلّمونَ النّاسَ القُرانَ کَما اُنزِلَ. [۲۳]

گویی شیعیان خود را می‌بینیم که در مسجد کوفه خیمه زده، به مردم قرآن را آن گونه که نازل شده آموزش می‌دهند.

۱۸. و در حدیث دیگری در همین رابطه فرمود:

کَاَنّی بِالعَجَمِ فَساطیطُهُم فی مَسجِدِ الکُوفَةِ یُعَلّمُونَ النّاسَ القُرآنَ کَما اُنزِلَ. [۲۴]

گویی ایرانیان را با چشم خود می‌بینم که در مسجد کوفه خیمه زده قرآن را آن گونه که نازل شده، به مردمان آموزش می‌دهند.

از نشانه‌های ظهور در مسجد کوفه

در منابع فراوانی فرو ریختن دیوار مسجد اعظم کوفه را در شمار نشانه‌های ظهور آخرین امام نور بر شمرده‌اند،[۲۵] که در برخی از احادیث به صورت شفاف بیان شده است:

۱۹. امام صادق (علیه‌السلام) در این رابطه می‌فرماید:

اذا هَدَمَ حائطُ مَسجِدِ الکُوفَةِ مِمّا یَلی دارَ عَبدِ اللّهِ بنِ مَسعُودٍ، فَعِندَ ذلِکَ زَوالُ مُلکِ القَومِ و عندَ زَوالِهِ خُرُوجُ القائِمِ (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف). [۲۶]

هنگامی که دیوار مسجد کوفه از سمت خانه‌ی عبدالله بن مسعود فرو بریزد، سیطره‌ی قوم از بین می‌رود و هنگامه‌ی ظهور قائم (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) فرا می‌رسد.

علامه‌ی مجلسی از صاحب «**العدد القویّه**» نقل کرده که دیوار مسجد کوفه فرو ریخت و این نشانه به وقوع پیوست[۲۷]، صاحب تاریخ کوفه نیز می‌گوید: قسمتی از دیوار مسجد کوفه از سمت خانه‌ی مختار فرو ریخت و یوسف بن عمر آن را ساخت.[۲۸]

یکی دیگر از نشانه‌های ظهور کشتار دسته جمعی در نزد مسجد کوفه است:

۲۰. امام صادق (علیه السلام) در این رابطه می فرماید:

اِن لِوُلدِ فُلانٍ عِندَ مَسجِدِ کُم ـ یعنی مسجد الکوفة ـ لَوَقعَةً فی یومٍ عَرُبَة، یُقتَلُ فیها اربَعَةُ آلافٍ مِن بابِ الفیلِ الی اصحابِ الصّابُونِ فایاکم و هذا الطریق فاجتنبوه؛[۲۹]

برای فرزندان فلان، در روز جمعه‌ای در نزد مسجد شما (مسجد کوفه) حادثه‌ای هست که در آن، میان باب فیل تا اصحاب صابون، چهار هزار نفر کشته می شود، از این مسیر به شدت دوری بجویید.

مسجد کوفه در عصر رجعت

در احادیث فراوانی از رجعت پیشوایان و فرمانروایی آنان بعد از حکومت جهانی حضرت بقیة الله (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) گفت و گو شده که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۲۱. امام صادق (علیه السلام) در یک حدیث طولانی از رجعت امیرمؤمنان (علیه السلام) و فرمان‌روایی آن حضرت به تفصیل سخن گفته، در پایان می فرماید:

و عِندَ ذلِکَ تَظهَرُ الجَنتانِ المُدهامتانِ عِندَ مَسجِدِ الکوُفَةِ وَ ما حَولَهُ بِما شاءَ اللّهُ؛[۳۰]

در آن زمان آن دو باغستان سبز و خرم در نزد مسجد کوفه و در پیرامون آن ـ آن گونه که خداوند بخواهد ـ پدیدار می گردد.

۲۲. امام صادق (علیه السلام) در فراز دیگری از حدیث یاد شده از نابودی شیطان و یارانش به دست امیرمؤمنان (علیه السلام) در واپسین رجعت آن حضرت سخن گفته است.[۳۱]

۲۳. در حدیث دیگری امام صادق (علیه السلام) از کشته شدن ابلیس توسط حضرت بقیة اللّه (عجّل اللّهَ تعالی فرجه الشّریف) در مسجد کوفه سخن گفته و می فرماید:

اِن اللّهَ انظَرَهُ الی یَوم یُبعَثُ فیه قائِمُنا، فَاذا بَعَثَ اللّهُ قائِمَنا کانَ فی مَسجِدِ الکوُفَةِ وَ جاءَ ابلیسُ حَتیّ یَجثُوَ بَینَ یَدَیهِ عَلی رُکبَتَیهِ، فَیَقُلُ: یا وَیلَهُ مِن هذَا الیَوم. فَیَأخُذُ بِنَاصِیَتِه فَیَضرِبُ عُنُقَهُ. فَذلِکَ الیَومُ هُو الوَقتُ المَعلوم؛[۳۲]

خداوند او را تا روز خروج قائم ما (علیه السلام) مهلت داده است. هنگامی که قائم ما را خداوند ظاهر می کند، در مسجد کوفه خواهد بود، پس ابلیس به حضورش می آید و در مقابل اش زانو می زند و می گوید: ای وای بر او از چنین روزی. پس او را با دست قدرت می گیرد و گردنش را می زند. آن روز همان وقت معلوم است.

سیمای مسجد کوفه در آیینه‌ی آیات و روایات

آیات فراوانی از قرآن کریم به مسجد کوفه مربوط می‌شود که به شماری از آنها اشاره می‌شود:

الف. **(وَ اصنَعِ الفُلکَ بِاَعیُنِنا وَ وَحینا)**[۳۳]

خداوند به حضرت نوح (علیه‌السلام) وحی فرمود: کشتی را به یاری ما (در حضور ما) و به فرمان ما بساز.

۲۴. امام صادق (علیه‌السلام) فرمود:

حضرت نوح (علیه‌السلام) نجار بود او نخستین کسی است که کشتی ساخت، او نهصد و پنجاه سال قوم خود را ارشاد و هدایت کرد، آنها همه‌اش او را مسخره کردند، پس از خدا خواست که احدی از آنها را روی زمین باقی نگذارد. خدا به او وحی کرد که کشتی را بسازد.

فَعَمِلَ نُوحٌ سَفینَتهُ فی مسجِدِ الکُوفةِ بِیَدِه، فَاتی بِالخَشَبِ مِن بُعدٍ حَتّی فَرَغَ مِنها.[۳۴]

حضرت نوح کشتی را با دست خود در مسجد کوفه ساخت و تخته‌ها را از راه‌های دور آورد تا کار ساختن کشتی به اتمام رسید.

ب. **(حَتّی اِذا جاءَ اَمرُنا وَ فارَ التَّنّورُ)**:[۳۵]

تا هنگامی که فرمان ما فرا رسید و از تنور آب جوشید.

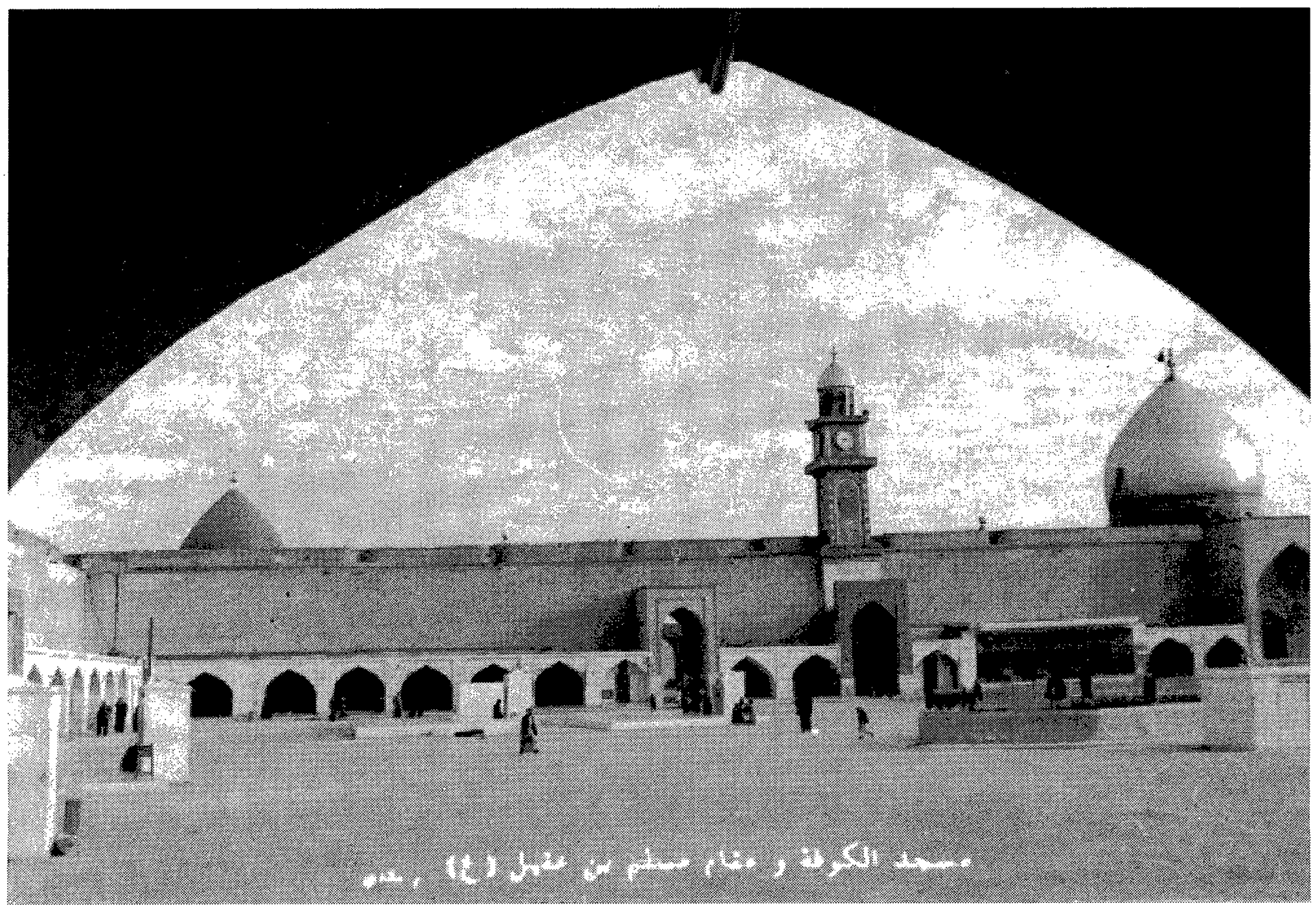

◆ اماکن زیارتی منتسب به امام زمان(عج) در ایران و جهان(۳)

۲۵. امیرمؤمنان (علیه السلام) در ضمن شمارش ویژگی های مسجد کوفه فرمود:

فیهِ نَجَرَ نوحٌ سَفینَتَهُ، و فیهِ فارَ التَّنّورُ، و بِهِ کانَ بَیتُ نوحٍ و مَسجِدُهُ، وَ فی زاویَتِهِ الیُمنی فارَ التَّنّورُ.[۳۶]

حضرت نوح کشتی‌اش را در آن جا ساخت، از تنور نیز همان جا آب جوشید. خانه ی نوح و محل عبادت او نیز آن جا بود. در زاویه ی راست آن آب از تنور جوشید.

۲۶. امام باقر (علیه السلام) نیز در این رابطه فرمود:

مسجدُ کوفانَ فیهِ فارَ التَّنّورُ، نُجِرَتِ السفینةُ، و هُوَ سُرةُ بابِلَ وَ مَجمَعُ الانبیاءِ.[۳۷]

در مسجد کوفه از تنور آب جوشید کشتی آن جا ساخته شد، آنجا ناف بابل و محل اجتماع پیامبران است.[۳۸]

۲۷. امام باقر (علیه السلام) در حدیث دیگر با تفصیل بیشتری فرمود:

مَسجِدُ کوفانَ رَوضَةٌ مِن ریاضِ الجَنّة، صلّی فیهِ الفُ نَبی وَ سَبعونَ نَبیّاً، وَ مَیمَنَتُهُ رَحمَةٌ و مَیسرتُهُ مَکرٌ، فیهِ عَصا موسی و شَجَرَةُ یَقطینَ و خاتَمُ سُلیمانَ، و مِنهُ فارَ التَّنّورُ و نَجَرَتِ السفینَةُ و هِیَ صُرةُ[۳۹] بابِلَ و مَجمَعُ الانبیاءِ.[۴۰]

مسجد کوفه باغی از باغهای بهشت است، هزار و هفتاد پیامبر در آن نماز گزارده، سمت راست آن رحمت و سمت چپ آن نیرنگ[۴۱] می باشد. عصای حضرت موسی، درخت کدوی (حضرت یونس) و انگشتریِ حضرت سلیمان در آن است. تنور از آن جا جوشید، کشتی در آن جا ساخته شد. آن جا قلّه ی شرف بابل و خیمه ی اجتماع پیامبران است.

۲۸. بر اساس روایات این تنور همان تنور حضرت آدم (علیه السلام) بود که بعدها به حضرت نوح (علیه السلام) منتقل شد و محل فعلی آن در سمت راست کسی است که از باب کنده وارد مسجد می‌شود.[۴۲]

ج. (و قیلَ یا ارضُ ابلَعی ماءَکِ):[۴۳]

سر انجام گفته شد: ای زمین آب خود را فرو بر.

۲۹. امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه ی شریفه فرمود:

هنگامی که کشتی نوح به وسط مسجد کوفه رسید خدا به زمین فرمان داد که آب خودش را فرو ببرد.

فَبَلَعَت مأها مِن مَسجِدِ الکُوفَةِ، کَما بَدَءَ الماءُ مِنهُ.[۴۴]

پس زمین آب خودش را از مسجد کوفه فرو برد، چنان که در آغاز نیز از همان جا شروع شده بود.

د. (و جَعَلنَا ابنَ مَریَمَ و اُمهُ آیَةً و آوَیناهُما الی رَبوَةٍ ذاتِ قرارٍ و مَعینٍ)[۴۵]:

ما عیسی بن مریم و مادرش را آیت و نشانه‌ای قرار دادیم و آنها را در سرزمین مرتفعی که دارای امنیت و آب جاری بود، جای دادیم..

۳۰. امیرمؤمنان (علیه السلام) در تفسیر این آیه‌ی شریفه فرمودند:

الرّبوةُ: الکوفَةُ، و القرارُ: المسجِدُ، و المعَینُ: الفُراتُ.[۴۶]

منظور از «رَبوة» (مکان مرتفع) کوفه، مقصود از «القَرارُ» (محل امن و آسایش) «مسجد کوفه»، و هدف از «معین» (آب روان و خوش گوار) همان «فرات» می باشد.

مسجد کوفه از منظر پیشوایان

در مورد ویژگی های مسجد کوفه از دیدگاه آیات قرآن به همین مقدار بسنده کرده، فضایل برجسته‌ی آن را از منظر احادیث وارده از پیشوایان معصوم به صورت فشرده در این جا می آوریم و یاد آور می شویم که نقل همه‌ی احادیث وارده در این صفحات نمی گنجد.

۳۱. پیشوای پروا پیشگان، امیرمؤمنان (علیه السلام) می فرماید:

اربعَةٌ مِن قُصُور الجنّةِ فی الدُّنیا: المسجِدُ الحرامُ و مسجدُ الرّسولِ و مسجدُ بیتِ المقدِسِ و مسجِدُ الکوفَةِ.[۴۷]

چهار قصر از قصرهای بهشتی در دنیاست: ۱) مسجد الحرام، ۲) مسجد النّبی، ۳) مسجد اقصی، ۴) مسجد کوفه.

۳۲. در حدیث دیگری به هنگام شمارش قصرهای چهارگانه فرمود:

و مسجِدُ الکُوفَةِ و هُوَ قُبةُ الاسلامِ.[۴۸]

و مسجد کوفه که آن «قبة الاسلام» است.

تعبیر «قبة الاسلام» را رسول اکرم (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) در مورد حرم مطهر سالار شهیدان،[۴۹] و جناب سلمان در مورد کوفه[۵۰] به کار برده بودند.

۳۳. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

مسافر در چهار جا می تواند نمازش را کامل بخواند:

۱) مسجد الحرام، ۲) مسجد النبی، ۳) مسجد کوفه، ۴) حرم امام حسین (صلوات الله علیه).[۵۱]

۳۴. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

اعتکاف روا نیست به جز درمسجدی که امام عادل در آن جا نماز جماعت اقامه کرده باشد. در مسجد کوفه، در مسجد بصره، در مسجد النبی و مسجد الحرام اعتکاف مانع ندارد.[۵۲]

۳۵. امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود:

لا تُشدُّ الرّحالُ الّا الی ثلاثَةِ مَساجِدَ:

المَسجدُ الحرامُ، و مسجِدُ رسولِ اللهِ (صلّی اللّهُ علیه و آله وسلّم) و مسجدُ الکوفَةِ.[۵۳]

بار و بنه‌ی سفر بسته نمی‌شود، جز به سه مسجد: ۱) مسجد الحرام، ۲) مسجد النبی، ۳) مسجد کوفه.

۳۶. فخر الساجدین، زین العابدین، امام سجاد (علیه السلام) از مدینه منوره، صرفا به قصد نماز گزاردن در مسجد کوفه آمد، چهار رکعت نماز گزارد، آنگاه بر مرکب خود سوار شده، راهی مدینه گردید.[۵۴]

۳۷. امام باقر (علیه السلام) فرمود:

لو یَعلَمُ النّاسُ ما فی مسجِدِ الکُوفَةِ، لا عَدّوُا لهُ الزّادَ و الرواحِلَ من مَکانٍ بَعیدٍ.[۵۵]

اگر مردم فضائل مسجد کوفه را می‌دانستندِ از راه‌های دور زاد و راحله فراهم کرده به سوی آن می‌شتافتند.

۳۸. امیرمؤمنان (علیه السلام) در این رابطه فرمود:

و ان مسجِدکُم هذا لَأحَدُ المَساجِدِ الاَربَعَةِ الّتی اختارِها اللّهُ لاَهلِها.[۵۶]

این مسجد شما (مسجد کوفه) یکی از چهار مسجدی است که خداوند آنها را برای اهلشان برگزیده است.

و در آخرین فراز از همین حدیث فرمود:

آن را هرگز فرو نگذارید، با نماز گزاران در آن به خداوند تقرب بجویید، برای بر آورده شدن نیازهای خود به آنجا روی بیاورید. اگر مردمان می‌دانستند که چه برکتی در آن هست از همه‌ی اقطار زمین به سوی آن می‌شتافتند، اگر چه با سینه خیز رفتن بر روی برف‌ها باشد.[۵۷]

۳۹. یکی از اصحاب به محضر امیرمؤمنان (علیه السلام) آمده عرضه داشت: من زاد و توشه برگرفتم، مرکبی تهیه کردم، کارهایم را ردیف نمودم، عازم بیت المقدس هستم.

امیرمؤمنان فرمود: توشه‌ات را برگیر، مرکبت را بفروش، از این مسجد هرگز جدا مشو، که این مسجد یکی از چهار مساجد برگزیده است.

و در فرازی از آن حدیث فرمود:

و یُحشَرُ مِنهُ یومَ القِیامَةِ سَبعونَ الفاً لا عَلَیهِم حِسابٌ و لا عَذابٌ.[۵۸]

در روز رستاخیز هفتاد هزار نفر از این مسجد بر انگیخته می شوند که بر آنها حساب و و عقابی نیست.

۴۰. امیرمؤمنان (علیه السلام) در فراز دیگری از این حدیث می فرماید:

و فیهِ ثَلاثُ اَعیُنٍ یَزهَرنَ... عَینٌ مِن لَبَنٍ، و عَینٌ مِن دُهنٍ، و عَینٌ مِن ماءٍ.[۵۹]

در مسجد کوفه سه چشمه برق می زند... چشمه‌ای از شیر، چشمه‌ای از روغن، و چشمه‌ای از آب.

علامه‌ی مجلسی در توضیح این حدیث می فرماید: این چشمه ها از دیده ما پنهان است تا در زمان حضرت قائم (علیه السلام) پدیدار شوند.[۶۰]

آن گاه امیرمؤمنان (علیه السلام) دست بر سینه نهاده فرمود:

ما دَعا فیهِ مَکروبٌ بِمسألَةٍ فی حاجَةٍ مِنَ الحَوائِجِ الّا اَجابَهُ اللهُ و فَرجَ عَنهُ کُربَتَهُ.[۶۱]

هیچ غم زده‌ای در این مسجد حاجتی از حوائج خود را از خدا مسألت نمی کند، جز این که خداوند او را حاجت روا می کند و اندوهش را می زداید.

۴۱. امام صادق (علیه السلام) در این رابطه فرمود:

هر کس حاجتی دارد آهنگ مسجد کوفه کند، وضوی پاکیزه سازد، دو رکعت نماز، در هر رکعت سوره های: حمد، فلق، ناس، توحید، حجر، نصر، اعلی و قدر بخواند، تا از نماز فارغ شود، حاجتش به یاری پروردگار بر آورده شود.[۶۲]

۴۲. امام صادق (علیه السلام) در فرازی از حدیثی فرمود:

نِعمَ المسجِدُ الکوفَةِ، صَلّی فیهِ اَلفُ نَبی و اَلفُ وَصی.[۶۳]

مسجد کوفه چه مسجد زیبایی است هزار پیامبر و هزار وصی پیامبر در آن نماز گزارده اند.

۴۳. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

در شب معراج جبرئیل به پیامبر اکرم (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) عرض کرد:

این جا نماز گاه پدرت آدم و عبادتگاه پیامبران است، در اینجا فرود آی و نماز بگذار. پس

آن حضرت فرود آمد و نماز گذارد، آن گاه به سوی آسمان معراج نمود.[۶۴]

۴۴. امام صادق (علیه السلام) به صراحت فرمودند: مسجد کوفه از مسجد بیت المقدس (مسجد اقصی) برتر است.[۶۵]

۴۵. و در همین رابطه فرمود:

لو یَعلَم النّاسُ مِن فضلِهِ ما اعلَمُ، لا زدَحَملوُا عَلَیهِ.[۶۶]

اگر مردم از فضیلت مسجد کوفه می دانستند آن چه را که من می دانم در آن جا ازدحام می کردند.

۴۶. جبریل امین در شب معراج به رسول اکرم (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) عرضه داشت:

مسجِدٌ مبارَکٌ کثیرُ الخیر، عظیمُ البَرَکةِ، اختارَهُ اللّهُ لاَهلِه و هُوَ یَشفَعُ لَهُم یومَ القیامَةِ.[۶۷]

مسجد مبارک، پر فضیلت و پر برکتی است خداوند آن را برای اهلش برگزیده است، این مسجد در روز قیامت برای آنها شفاعت می کند.

۴۷. رسول اکرم (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) در همین رابطه فرمود:

مسجد کوفه در مورد هر کس که در آن دو رکعت نماز بگذارد در روز قیامت شفاعت می کند.[۶۸]

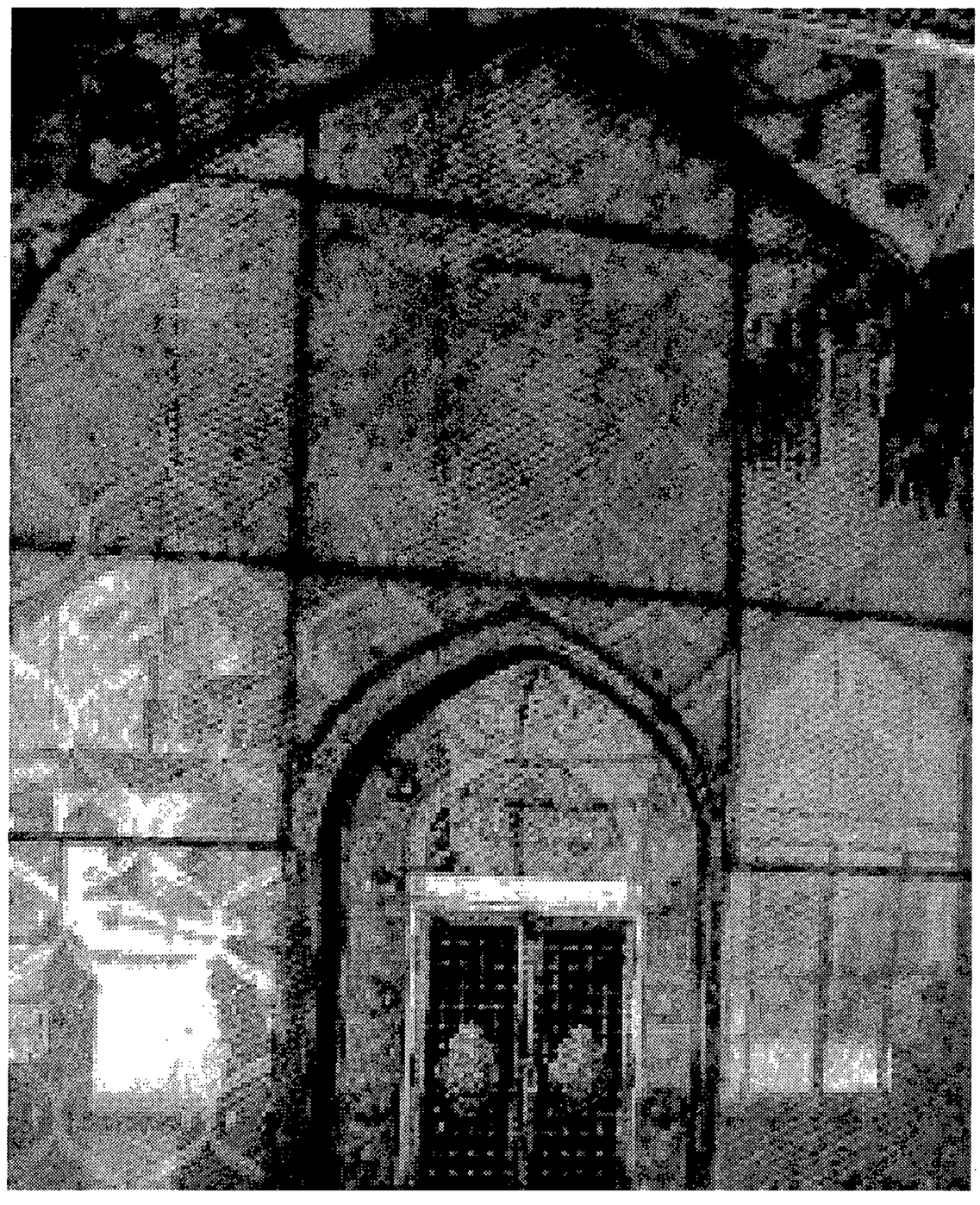

۴۸. امام صادق (علیه السلام) از هارون به خارجه پرسید: با مسجد کوفه چقدر فاصله داری؟ آیا به یک میل (دو کیلومتر) می رسد؟ گفت: نه.

فرمود: آیا همه ی نمازهایت را در آن جا می خوانی؟ گفت: نه.

فرمود: اگر من در آنجا حضور داشتم هیچ نمازی را در هیچ وعده ای جز در آنجا نمی خواندم.

آنگاه در ضمن شمارش فضیلت های مسجد کوفه فرمود:

ما بَقیَ مَلَکٌ مُقربٌ و لا نَبیٌّ

مُرسلٌ، و لا عَبدٌ صالِحٌ الاّ و قَد صَلّی فیهِ.[۶۹]

هیچ فرشته‌ی مقرب هیچ پیامبر مرسل و هیچ بنده‌ی شایسته‌ای نیست جز این که در آن مسجد نماز گزارده است.

۴۹. امام صادق (علیه‌السلام) در ضمن شمارش فضیلت‌های برجسته‌ی مسجد کوفه فرمود:

ان الصّلاة المکتوبَةَ فیهِ لَتعَدلُ اَلفَ صَلاةٍ، و ان النّافِلَة فیه لَتعدلُ خَمسَ مِائةِ صلاةٍ و ان الجلُوسَ فیهِ بغیرِ تَلاوةٍ و لاذکرٍ لَعِبادة.[۷۰]

نماز واجب در مسجد کوفه معادل یک هزار نماز مستحبی معادل ۵۰۰ نماز می‌باشد و نشستن در آنجا بدون ذکر و تلاوت قرآن پاداش عبادت دارد.

۵۰. و در حدیث دیگری فرمود:

صَلاةٌ فی مسجدِ الکوُفَةِ بالفِ صَلاةٌ.[۷۱]

یک نماز در مسجد کوفه معادل یک هزار نماز است.

۵۱. امیرمؤمنان (علیه‌السلام) در همین رابطه فرمود:

الصلاةُ المَکتُوبَةُ فیهِ حَجةٌ مَبرورُةٌ و النّافَلة فیه عُمرةٌ مبرورُةٌ.[۷۲]

نماز واجب در مسجد کوفه معادل یک حج مقبول و نماز مستحبی در آن معادل یک عمره‌ی مقبوله است.

۵۲. امام باقر (علیه‌السلام) نیز فرمود:

یا اَبا حَمزةَ، الفَریضَةُ فیها تَعدِلُ حَجةً و النّافلةُ تَعدِلُ عُمرةً.[۷۳]

ای ابا حمزه، نماز واجب در آن معادل یک حج و نماز مستحبی معادل یک عمره می باشد.

۵۳. امیرمؤمنان (علیه‌السلام) در همین رابطه فرمود:

النّافلةُ فی هذا المسجدِ تَعدِلُ عُمرةً معَ النّبیّ (صلّی اللّهُ علیه‌وآله‌وسلّم) وَ الفَریضَةُ تَعدِلُ مَعَ النّبِیِّ (صلی الله علیه وآله وسلّم) و قد صلّی فیه الفُ نبی و الفُ وصی.[۷۴]

نماز مستحبی در این مسجد معادل یک عمره در محضر پیامبر و نماز واجب در آن معادل یک حج در حضور پیامبر (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) می باشد، یک هزار پیامبر یک هزار وصی پیامبر در آن نماز گزارده‌اند.

۵۴. امام صادق (علیه‌السلام) فرمود:

الکُوفَةُ حَرَم اللهِ و حرَمُ رسولُهِ و حِرمُ امیرالمؤمینَ عَلی (علیه‌السلام)، الصّلاةُ فی مسجِدِها بالفِ صلاة [۷۵]

کوفه حرم خدا حرم پیامبر و حرم امیرمؤمنان (علیه‌السلام) است، نماز در مسجد آن معادل هزار نماز است.

۵۵. و در حدیث دیگری فرمود:

صَلاةٌ فی مسجِدِ الکوُفَةِ تَعدِلُ الفَ صلاة فی غَیره من المساجِد. [۷۶]

یک نماز در مسجد کوفه، معادل یک هزار نماز در دیگر مساجد است.

۵۶. امام باقر (علیه‌السلام) از یک نفر از اهالی کوفه پرسید: آیا تو همه‌ی نمازهایت را در مسجد کوفه می‌خوانی؟ گفت: نه. فرمود: تو شخص محرومی هستی، که از چنین خیری در مانده‌ای. [۷۷]

۵۷. و به ابو عبیده توصیه فرمود: هرگز نماز در مسجد کوفه را فرو مگذار. [۷۸]

۵۸. امام رضا (علیه‌السلام) در این رابطه فرمود:

الصّلاةُ فی مَسجِدِ الکوُفَةِ فَرداً، افضَلُ من سَبعینَ صَلاةٍ فی غیرهِ جَماعَةً. [۷۹]

نماز فرادی در مسجد کوفه، از ۷۰ نمازی که در دیگر مساجد با جماعت خوانده شود بهتر است.

نکاتی چند پیرامون مسجد کوفه

اگر بخواهیم همه‌ی احادیث وارده از پیشوایان معصوم را پیرامون مسجد اعظم کوفه در این مقال بیاوریم، مطلب به درازا می‌کشد. از این رهگذر به احادیث یاد شده بسنده می‌کنیم و در بخش پایانی این نوشتار به چند نکته در رابطه با مسجد کوفه اشاره می‌کنیم:

الف ـ حجر الأسود بر دیوار مسجد اعظم کوفه

۵۹. مولای متقیان، امیرمؤمنان (علیه‌السلام) در فرازی از یک خطبه‌ی طولانی در مسجد اعظم کوفه می‌فرماید:

و لا تَذهَبُ الایّامُ و اللّیالی، حتیّ یُنصَبَ الحَجَرُ الاَسوَدُ فیه. [۸۰]

طولی نمی‌کشد که حجر الأسود در این مسجد نصب می‌شود.

۶۰. در احادیث ملاحم نیز آمده است:

تُغَيِّرُ الحَبَشةُ البیت فیکَسِرونهُ، وَ یؤُخَذُ الحجَرُ، فَیُنصَبُ فی مسجدِ الکوُفَةِ.[۸۱]

اهالی حبشه خانه ی خدا را دگرگون ساخته، در هم می شکنند، حجر الأسود را می گیرند و در مسجد کوفه آن را نصب می کنند.

این حادثه در قرن چهارم هجری واقع شد، قرامطه کعبه را تخریب کردند، حجر الأسود را بردند و در مسجد کوفه نصب کردند.[۸۲]

مشروح این فاجعه را در کتاب «تاریخ وهابیان» مشروحاً آورده ایم.

ب ـ تشریف فرمایی پیشوایان معصوم به مسجد کوفه

۶۱. بر اساس احادیث فراوان رسول اکرم (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) در شب معراج در مسجد کوفه فرود آمده و نماز گزارده است.[۸۳]

۶۲. امام سجاد (علیه السلام) صرفاً برای نمازگزاردن در مسجد کوفه رنج سفر برخود هموار نموده و از مدینه منوره به مسجد آمده است.[۸۴]

۶۳. امام کاظم (علیه السلام) احمد تبّان را از طریق اعجاز به مسجد کوفه آورده تا اعمال مسجد را در محضر آن حضرت انجام دهد.[۸۵]

۶۴. امام جواد (علیه السلام) علی بن خالد زیدی را با اعجاز امامت به مسجد کوفه برده تا اعمال مسجد را در حضور آن سرور انجام داده است.[۸۶]

معجزات شگفت امیرمؤمنان (علیه السلام) در مسجد کوفه

۶۵. معجزه ی باهره ای از رسول اکرم (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) «در مسجد کوفه» به وقوع پیوسته.[۸۷]

۶۶. معجزات شگفت فراوانی از مولای متقیان امیرمؤمنان (علیه السلام) در مسجد کوفه پدیدار گشته، که فقط به منابع آنها در پاورقی اشاره می کنیم.[۸۸]

۶۷. داوری های شگفت امیرمؤمنان (علیه السلام) در مسجد کوفه بیش از شمار است؛ به برخی از منابع آنها در پاورقی اشاره می کنیم.[۸۹]

محراب های مسجد کوفه

در سمت قبله‌ی کوفه، د و محراب به عنوان محراب امیرمؤمنان (علیه‌السلام) موجود است، علامه‌ی مجلسی محدث نوری نکات فراوانی را برای تعیین محراب شهادت امیرمؤمنان (علیه‌السلام) نقل کرده‌اند و سرانجام به این نتیجه رسیده‌اند که احتمالا یکی از آنها محراب ضربت خوردن مولی و دیگری محراب عبادت آن حضرت باشد.[۹۰] و لذا بهتر است از هر دو محراب تبّرک شود.

محراب‌های موجود در صحن مسجد یادگار علامه سید بحر العلوم است، که آنها را به جای استوانه‌های مسجد که غالباً بر چیده شده بود، تأسیس کرد.[۹۱]

هـ ـ مقام‌های مسجد کوفه

در مسجد اعظم کوفه مقام جبرئیل، مقام نوح، مقام ابراهیم، مقام امیرالمؤمنین، مقام امام سجاد و مقام امام صادق (علیه‌السلام) هست، که هر کدام نماز و دعای مخصوص دارد.[۹۲]

در منابع فراوانی درمورد تعیین هر یک از مقام‌های یاد شده، دکّة القضا، بیت الطشت و دیگر اماکن متبرکه‌ی مسجد کوفه بحث شده، علاقه‌مندان به منابع یاد شده در پاورقی مراجعه فرمایند.[۹۳]

نکات پراکنده

۶۸. با اسناد گوناگون روایت شده که هر شب شصت هزار فرشته بر مسجد کوفه فرود آمده، در نزد ستون هفتم نماز می‌گزارند. دیگر تا روز رستاخیز به آنها نوبت نمی‌رسد که بر گردند و در آن جا نماز بگذارند.[۹۴]

ستون هفتم مقام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) است.[۹۵]

۶۹. ابوحمزه‌ی ثمالی گوید: اصبغ بن نباته دست مرا گرفت و ستون هفتم را به من نشان داد و گفت: اینجا مقام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) است.[۹۶]

۷۰. در شب معراج جبرئیل به پیامبر اکرم (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) عرضه داشت: اینجا مسجد کوفه است، من بیست بار ویرانی و بیست بار آبادانی آن را دیده‌ام که میان دو ویرانی و دو آبادانی پانصد سال فاصله بود.[۹۷]

۷۱. یکی از درهای مسجد کوفه «باب السّده» نام داشت که گذرگاه امیرمؤمنان (علیه السلام) بود.[۹۸]

۷۲. یکی دیگر از درهای مسجد کوفه «باب الفیل» است که در اصل «باب الثعبان» نام داشت و آن معجره‌ی باهره‌ی امیرمؤمنان (علیه السلام) در آن جا رخ داد.[۹۹] نظر به این که باب ثعبان یادآور معجزه‌ی امیرمؤمنان (علیه السلام) بود، بنی امیه نام آن را به باب الفیل تغییر دادند.[۱۰۰]

۷۳. امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود:

به مسجد کوفه از در بزرگ (باب الفیل) وارد شوید که آن باغی از باغ های بهشت است.[۱۰۱]

۷۴. سنگی در مسجد کوفه پدیدار شد که به قلم تکوین بر آن نام مقدس «محمّد» (صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) نقش بسته بود.[۱۰۲]

۷۵. امام رضا (علیه السلام) فرمود:

مسجد کوفه خانه‌ی حضرت نوح بود اگر کسی یک صدبار وارد شود، یک صد بار خداوند برای او آمرزش می نویسد زیرا دعای طلب آمرزش حضرت نوح در آنجاست.[۱۰۳]

منظور از این دعا دعای «رَبِّ اغفِرلی وَلِوالِدَیَ و لِمَن دَخَلَ بَیتیَ مُؤمِناً» می باشد.[۱۰۴]

ره یافتگان

در طول قرون و اعصار صدها نفر در مسجد اعظم کوفه توفیق تشرّف به پیشگاه مقدس حضرت بقیة الله (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) پیدا کرده‌اند به ده نمونه از این سعادت‌مندان به طور فشرده اشاره می کنیم، طالبان تفصیل بیشتر را به منابع یاد شده در پاورقی ارجاع می دهیم.

به امید روزی که خورشید جهان افروز امامت، از افق غیبت طالع گشته، جهان آفرینش را با نور خود منّور ساخته، سعادت تشرف به پیشگاه آن قبله‌ی موعود و کعبه مقصود را به همه شیفتگان دلسوخته ارزانی بدارد.

۱. ملاّ احمد مقدّس اردبیلی

یکی از زیباترین تشرّفاتی که در طول قرون و اعصار در مجسد اعظم کوفه رخ داده، تشرّف نادره‌ی دوران، محقّق بی نظیر زمان، مولی احمد، معروف به: «مقدّس اردبیلی» (متوفّای ۹۹۳ هـ) مدفون در ایوان مقدس حرم مطهّر مولای متقیان امیر مؤمنان (علیه السّلام) می باشد.

داستان این تشرّف با اسناد مختلف از سرآمدِ شاگردان محقق اردبیلی، سیّد سند، حِبر معتمد «میر علاّم» روایت شده است.

حجّت تاریخ علاّمه‌ی تهرانی می‌نویسند: به هنگام ارتحال مقدّس اردبیلی از او پرسیدند که بعد از شما به چه کسی مراجعه کنیم؟ ایشان فرمود: «در احکام شرعی به میر علاّم و در مسائل عقیدتی به میرفضل‌اللّه مراجعه نمایید.»[۱۰۵]

و اینک داستان تشرّف مقدّس اردبیلی به نقل میرعلاّم:

علامه‌ی مجلسی از گروهی از اساتید خود، از سید فاضل «امیر علاّم» شاگرد برجسته‌ی مقدس اردبیلی روایت می‌کند که گفت:

شبی در صحن مقدس مولای متقیان امیرمؤمنان(علیه‌السّلام) بودم، مقدار زیادی از شب گذشته بود، من در صحن مطهّر قدم می‌زدم، ناگاه دیدم که شخصی به سوی حرم مطهر در حرکت است، نزدیک رفتم، دیدم استاد بزرگوارم عالم پرهیزکار، فاضل عالی مقدار، مولی احمد اردبیلی است.

من خود را مخفی کردم، تا استاد به درب حرم رسید، درب حرم بسته بود، به مجرّد این که استاد به درب حرم رسید، درب به رویش باز شد.

او وارد حرم شد و من می‌شنیدم که با کسی در داخل حرم گفت و گو می‌کند. پس از دقایقی از حرم بیرون آمد، درب حرم بسته شد، ایشان حرکت کرد و من نیز به دنبال‌اش روان گشتم.

مقدس اردبیلی از نجف اشرف خارج شد و راه مسجد کوفه را در پیش گرفت. من نیز چون شاید به دنبال‌اش در حرکت بودم، به گونه‌ای که متوجّه من نمی‌شد. تا داخل مسجد اعظم کوفه شد و در محرابی که محلّ شهادت امیرمؤمنان(علیه‌السّلام) بود، قرار گرفت.

مدّت طولانی در آن جا توقّف نمود، آنگاه از مسجد بیرون رفت و راه نجف را در پیش گرفت.

تا نزدیکی مسجد «حنّانه»[۱۰۶] پشت سرش در حرکت بودم، آن جا مرا سرفه‌ای در گرفت، که نتوانستم خودداری کنم، پس به سوی من نگاهی کرد و در آن تاریک شب مرا شناخت و فرمود: «تو میر علاّم هستی؟». گفتم: آری. پرسید: تو این جا چه کار می‌کنی؟!

گفتم: از لحظه‌ای که شما قدم در صحن مطهر نهادی، تا الان پشت سرِ شما بودم، شما را قسم می‌دهم به صاحب آن قبر مطهر علی(علیه‌السّلام) آنچه امشب برای تو پیش آمد، از آغاز تا فرجام برای من بازگوی.

فرمود: می‌گویم، به شرط این که تا من زنده هستم به احدی بازگو نکنی و من تعهد کردم،

هنگامی که از عهد و میثاق من مطمئن شد فرمود: در مورد برخی از مسایل می اندیشیدم، برخی از آن ها بر من مشکل شد، به دلم گذشت که به محضر مولای متقیان(علیه السّلام) برسم و مشکل خود را از محضر آن حضرت بپرسم.

چون به درب حرم رسیدم، به طوری که مشاهده کردی، درب حرم به رویم گشوده شد، وارد حرم شدم، از خداوند منّان مسألت نمودم که امیرمؤمنان مشکل مرا بازگشاید. ناگهان صدایی از قبر مطهر به گوشم رسید که:

«ائتِ مَسجدَ الکُوفَةِ وَسَل عَنِ القائِمِ(علیه السّلام) فَانهُ امامُ زَمانِکَ»:

«به مسجد کوفه برو، و مسایل ات را از حضرت قائم(علیه السّلام) بپرس، که امام زمان ات او می باشد».

پس به مسجد کوفه آدم و در محراب مسجد پرسشهای خود را از آن حضرت پرسیدم و پاسخ های لازم را دریافت کردم، و اینک به منزل خود باز می گردم.[۱۰۷]

این داستان را با اندک تغییری در تعبیر، معاصر علامه ی مجلسی، محدّث والامقام، مرحوم سید نعمة اللّه جزایری (متوفّای ۱۱۱۲هـ.) توسّط استادش «سیدهاشم احسائی»[۱۰۸] از استاد وی «میر علاّم» شاگرد برجسته ی مقدّس اردبیلی نقل کرده است.[۱۰۹]

این داستان در منابع فراوانی به نقل از علامه ی مجلسی[۱۱۰] و در منابع دیگر به نقل از مرحوم جزایری آمده است.[۱۱۱]

در نسخه ی چاپی انوار نعمانّیه، برای «میرعلاّم» نسخه بدلی به عنوان «میر فیض اللّه» آمده، از این رهگذر در برخی منابع به جای میرعلاّم، میرفیض اللّه[۱۱۲] و در برخی به عنوان نسخه بدل[۱۱۳] و در برخی دیگر «میر غلام» آمده[۱۱۴]، ولی صحیح آن «میرعلام» می باشد.[۱۱۵]

۲. سیدمهدی بحرالعلوم

شخصیت والای سید بحر العلوم بر احدی پوشیده نیست، مرحوم کاشف الغطاء شیخ جعفر کبیر با آن جلالت قدر و مرجعیّت عامّه که داشت، خاک نعلین سید را از روی تبرک با تحت الحنک عمامه اش پاک می کرد[۱۱۶]، به قدری کرامات و خارق عادات از وی صادر شد که صاحب جواهر از او به عنوان «صاحب کرامات باهره و معجزات قاهره» تعبیر می کرد.[۱۱۷]

محدث قمی،[۱۱۸] محدّث نوری[۱۱۹]، مرحوم خیابانی[۱۲۰] و بسیاری از محدثان و مورخان

تصریح کرده‌اند که تشرّف او به پیشگاه حضرت بقیة الله (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) به تواتر رسیده است.[۱۲۱]

افتخار قرون و اعصار علامه‌ی بحر العلوم را تشرّفات فراوانی است که یکی از آنها در مسجد کوفه رخ داده است.

سید جواد عاملی، صاحب مفتاح الکرامه (متوفای ۱۲۲۶ه.ق) استاد صاحب جواهر و شاگرد برجسته‌ی بحر العلوم می گوید:

شبی از شبها، استادم سید بحر العلوم را دیدم که از دروازه‌ی شهر نجف بیرون رفت، من نیز به دنبال او حرکت کردم تا وارد مسجد کوفه شد، من نیز پشت سر ایشان وارد شدم.

استاد را مشاهده کردم که به مقام حضرت صاحب الأمر (علیه السلام) رفت و در آن جا با امام زمان (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) به گفت و گو پرداخت.

امام زمان (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) در پاسخ یکی از پرسش های بحرالعلوم فرمود:

«شما در احکام شرعیه به ادلّه‌ی ظاهریّه مأمور هستید و مکلّف به همان چیزی هستید که از آن ادلّه استفاده نموده‌اید، شما مأمور به احکام واقعیّه نیستید».[۱۲۲]

ملاّ زین العابدین سلماسی از اصحاب خاصّ سید بحرالعلوم می گوید:

من حضور داشتم در محفل سید بحر العلوم که شخصی از امکان رؤیت سیمای مبارک امام عصر (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) در غیبت کبری پرسید، سید از پاسخِ آن شخص ساکت شد، سر را به زیر انداخت و آهسته گفت:

«چه بگویم در پاسخ او؟ در حالی که آن حضرت مرا در بغل کشید و به سینه‌ی خود چسبانید...».

آنگاه در پاسخ سائل فرمود: «از اهل بیت عصمت (علیهم السّلام) رسیده است تکذیب کسی که مدّعی رؤیت حضرت حجت (علیه السّلام) باشد».[۱۲۳]

در این بیان به طوری که ملاحظه می فرمایید از محلّ این تشرّف نامی به میان نیامده است.

مرحوم سید، تشرّف دیگری دارد که آن را بنا به تقاضای میرزای قمی (صاحب قوانین) بیان کرده[۱۲۴] و آنجا در مورد بغل گشودن و به سینه چسبانیدن بحث نشده است، ولی تصریح شده که در مسجد سهله این تشرّف حاصل شده است.[۱۲۵]

در برخی از نوشته های معاصران، این دو تشرّف با یکدیگر تلفیق شده و چنین آمده است:

«شبی به مسجد کوفه رفتم، حضرت ولی عصر مشغول عبادت بود، فرمودند: جلوتر بیا...

آغوش مهر گشودند و مرا در بغل گرفته، به سینه‌ی مبارکشان چسبانیدند».[۱۲۶]

۳. شیخ حسین آل رحیم

محدّث نوری از افراد مورد وثوقی چون «شیخ باقر کاظمی» و «شیخ طه نجف» نقل کرده که در نجف اشرف روحانی زاهد و مقدّسی به نام «شیخ حسین» از تیره‌ی «آل رحیم» بوده که در نهایت فقر زندگی می‌کرده و از کودکی به سرفه و مرض سینه مبتلا بوده، و به هنگام سرفه کردن از سینه‌اش خون می‌آمده، از زنی از اهل نجف خواستگاری کرد و دست رد بر سینه‌اش زدند.

شیخ حسین چهل شب چهارشنبه به مسجد کوفه رفته، شبها را در آنجا بیتوته کرده، همه‌اش به دعا و مناجات و توسّل سپری نموده و نتیجه‌ای حاصل نشده، تا در چهلمین شب چهارشنبه به محضر مولی راه یافته، پس از گفت و گوی فراوان حاجت‌های خود را بازگو کرده، مولی فرمود:

«امّا سینه‌ات پس عافیت یافت، امّا آن زن به زودی نصیب تو می‌شود، ولی فقر تا پایان زندگی با تو قرین است.»

آنگاه در محضر مولی به حرم حضرت مسلم مشرف شده، آثار عظمت فراوان از مولی مشاهده کرده، در همان لحظه سینه‌اش خوب شده و در کمتر از یک هفته مقدمات ازدواج با خانم مورد نظرش فراهم گردیده است.

این داستان با تفصیل بسیار گسترده در منابع فراوان آمده است[۱۲۷]، جز این که نام او در «جنة المأوی» محمد به جای حسین ذکر شده است.

۴. سیدمحمد قطیفی

عالم عامل، سیدمحمد قطیفی می‌گوید: شب جمعه‌ای با یکی از روحانیون به مسجد کوفه رفتیم، مرد صالحی نیز آنجا مشغول عبادت بود.

چون شب فرا رسید درب مسجد را بستیم و برای مصون ماندن از دزد، مقداری سنگ و کلوخ پشت در ریختیم و با اطمینان خاطر مشغول اعمال مسجد شدیم.

پس از انجام اعمال مسجد، من و دوستم در «دکة القضا»[۱۲۷]، رو به قبله نشسته بودیم و آن

مرد صالح در دهلیز مسجد، نزدیک باب الفیل با صدای حُزن‌آوری مشغول دعای کمیل بود.

شب صاف و مهتابی بود، به سوی آسمان می‌نگریستم، ناگاه بوی بسیار خوشی، که از مشک و عنبر خوش بوتر بود، در فضای مسجد پیچید؛ آن‌گاه نوری چون شعله‌ی آتش در میان شعاع نور ماه پدیدار گشت و در همان لحظه صدای آن مرد صالح قطع شد.

به ناگاه شخص جلیلی را دیدم که از سوی درب بسته وارد مسجد شد؛ لباس حجازی به تن داشت و سجاده‌ای همانند حجازی‌ها بر دوش مبارک‌اش بود.

او در کمال متانت گام بر می‌داشت و به سوی دربی که به صحن قبر حضرت مسلم باز می‌شود، گام می‌سپرد.

دل‌های ما از جا کنده شد، دیدگان ما به سوی آن نور خیره کننده دوخته شد. هنگامی که از نزدیک ما گذشت، به ما سلام کرد، دوست من از جواب فرو ماند و من به سختی توانستم جواب سلام‌اش را ادا نمایم.

چون وارد صحن حضرت مسلم شد، ما به حال طبیعی برگشتیم و گفتیم: ایشان کی بود و از کجا وارد شد؟!

به سوی آن مرد صالح که مشغول دعا بود رفتیم، دیدیم جامه‌اش را پاره کرده، همانند داغ جوان دیده اشک حسرت می‌ریزد. از او پرسیدیم داستان چیست؟ گفت:

من چهل شب جمعه به نیت دیدار با امام زمان(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) به این مسجد آمده‌ام. تنها نتیجه‌ای که حاصل شد، این بود که در اثنای اشتغال من به دعای کمیل، آن حضرت لحظه‌ای بالای سرم توقف نمود، چون به سویش نگریستم فرمود: «چه می کنی؟» من نتوانستم پاسخی دهم؛ به گونه‌ای که مشاهده کردید، تشریف بردند.

پس، سه نفری به سوی صحن حضرت مسلم شتافتیم، با کمال تعجّب درب را. همان طور که بسته بودیم؛ بسته یافتیم.[۱۲۹]

۵. شیخ علی‌اکبر روضه‌خوان

مرحوم نهاوندی توسط میرزا هادی از شیخ علی‌اکبر روضه خوان تبریزی نقل می کند که گفت: شبی در مسجد کوفه در مقام امام صادق(علیه السّلام) از شدت گریه خسته شدم، پوستی بر صورت خود انداخته، به دیوار مسجد تکیه دادم. ناگاه در آن شب تار متوجه نوری شدم که

در چند قدمی من فضای مسجد را روشن کرده است.

چون دقت کردم دیدم شخص جلیل القدری آنجا ایستاده و نور از او به اطراف پخش می‌شود؛ گویی چراغ پر نوری زیر عبا دارد.

هر چه نگاه کردم، فقط نور دیدم؛ گویی سرپوشی از نور بر فراز سرش نهاده و جامه‌ای از نور بر تن پوشیده است.

محو تماشای جمال بی‌مثالش شدم؛ ولی هر چه دقت کردم چیزی جز یک شبح ندیدم.

پس از مدتی حرکت کرد و از کنار من عبور کرد و به سوی پشت سر من رفت. چون برگشتم، احدی را ندیدم. به سمت صحن حضرت مسلم دویدم. اثری از ایشان ندیدم. به سمت حرم هانی رفتم باز اثری ندیدم، به صحن مسجد برگشتم و نشانی از او نیافتم. از شدت حسرت وافسوس، ناله‌ی جان‌کاهی از اعماق دل کشیدم. مادرم از حجره بیرون آمد و پرسید: چه شده؟ داستان را برای او نقل کردم.[۱۳۰]

۶. سیدمرتضی نجفی

یکی از صلحای نجف اشرف به نام «سیدمرتضی نجفی» که محضر شیخ جعفر کبیر (کاشف الغطاء) را درک کرده، سالها ملازم سیدمحمدباقر قزوینی بوده[۱۳۱]، و در نزد علما به تقوا و پرهیزکاری مشهور بود، گفت:

در مسجد کوفه با جمعی از اهل دل بودیم، وقت مغرب فرا رسید. درصدد بر آمدیم با یکی از علمای برجسته‌ای که در آن جا حضور داشت، نماز مغرب و عشاء را به جماعت برگزار کنیم.

در آن ایام در وسط مسجد کوفه در محلّی که به «تنّور» معروف بود، مقدار اندکی آب بود که از محرای قنات مخروبه‌ای می‌آمد و راه تنگی داشت که گنجایش بیش از یک نفر را نداشت.

برای تجدید وضو به محل تنور رفتم، شخص جلیل القدری را در آن جا دیدم که جامه‌ی عربی بر تن داشت و با متانت تمام در کنار آب نشسته مشغول وضو گرفتن بود.

من عجله داشتم که به نماز جماعت برسم و او هم چنان با متانت وضو می‌ساخت، لذا به ایشان گفتم: آیا شما نمی‌خواهید در نماز جماعت شرکت کنید؟ فرمود: «نه، زیرا آن شیخ دُخُنی است».[۱۳۲]

منظور ایشان را از این جمله متوجه نشدم، منتظر ماندم تا وضوی‌اش تمام شد، آن گاه من وضو گرفتم و با آن عالم معروف نماز خواندم.

بعد از پراکنده شدن مردم، جریان را به آن شیخ گفتم. حال‌اش متغیر شد، رنگ از چهره‌اش پرید و در فکر عمیقی فرو رفت.

آن گاه به من گفت: تو حضرت حجت(علیه السّلام) را دیده‌ای ولی نشناخته‌ای. زیرا آن حضرت از چیزی خبر داده که جز خدا، احدی از آن آگاه نبود.

من امسال در «رحبه»،[۱۳۳] ارزن کاشته‌ام؛ چون به نماز ایستادم به فکر آن زراعت افتادم که جایش امن نیست. این اندیشه به کلّی فکر مرا به خود مشغول ساخت و از حالت نماز بیرون برد. و لذا آن حضرت از اعماق دل من خبر داده است.[۱۳۴]

۷. حاج علی نجفی و همراهان

مرحوم نهاوندی با سلسله اسنادش از شخصی به نام «حاج علی نجفی» روایت می کند و مورد اعتماد و استناد بودن‌اش را از جمعی از علما روایت می کند که او با یک گروه یازده نفری هر شب چهارشنبه به مسجد سهله مشرف می شده و هرگز تعطیل نمی کرده‌اند.

هر هفته یکی از افراد وسایل چایی و شام مهیا می کرده است. یک شب چهارشنبه بعد از اعمال مسجد، راهی مسجد کوفه می شوند؛ چون آهنگ صرف شام می کنند معلوم می شود کسی که آن شب نوبت او بوده، همه‌ی وسایل را فراهم کرده، جز این که موقع حرکت فراموش کرده و در مغازه‌اش مانده است.

در حالی که از شدت گرسنگی خواب‌شان نمی برد، درِ حجره زده می شود؛ سیدجلیل القدری وارد شده، احادیث بسیار ناب و جالبی برای آنها بازگو می کند، سپس می فرماید:

«اگر خواسته باشید اسباب چایی حاضر است».

یکی از افراد برخاسته از خورجین، سماور بسیار عالی با همه‌ی لوازم بیرون می‌آورند، مقدمات چایی را فراهم می کنند و آن بزرگوار به بیان اِحادیث ادامه می دهد، سپس می فرماید:

«اگر خواسته باشید شام حاضر است».

باز یکی از افراد برخاسته، از طرف دیگر خورجین یک طاس کباب بیرون می آورد که پر از برنج و خورشت بسیار عالی که بخار از آن متصاعد بوده است؛ گویی همین الان از روی

اتش برداشته اند.

هنگامی که میل می کنند و همه سیر می شوند، مقداری اضافه می ماند، دستور می دهد که آن را به خادم مسجد بدهند.

بامدادان به یاد آن بزرگوار می افتند، هر چه جست و جو می کنند، ولی اثری از ایشان نمی یابند و درهای مسجد را همچنان بسته می بینند.[۱۳۵]

۸. شیخ محمد طاهر نجفی

صالح متقی، شیخ محمدطاهر نجفی، خادم مسجد کوفه می گوید:

علمای نجف اشرف که به مسجد کوفه می آمدند، در حدّ توان به آنها خدمت می کردم، آن ها نیز گاهی چیزی به من می آموختند.

ذکری از آنها آموخته بودم که دوازده سال در شب های جمعه به آن مداومت داشتم.

شبی طبق معمول مشغول ذکر بودم، از حضرت رسول(صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) آغاز کرده، به حضرت ولی عصر(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) رسیده بودم که ناگاه شخص بزرگواری وارد شد و فرمود:

«چه شده؟ چه خبر است که همواره زمزمه ای بر لب داری؟ هر دعایی، حجابی دارد بگذار حجاب آن برداشته شود تا همه اش یکجا به اجابت برسد».

آنگاه از حجره بیرون رفت و به سوی صحن حضرت مسلم حرکت نمود به دنبال اش راه افتادم ولی هر چه جست و جو کردم اثری نیافتم.[۱۳۶]

شیخ محمد طاهر نجفی سالها خادم مسجد کوفه بود و با خانواده اش در مسجد کوفه زندگی می کرد. وی بسیار از علمای نجف او را به تقوا و پرهیزکاری می شناختند.

او را تشرّف دیگری است که فشرده اش به قرار زیر است:

۷.هشت سال پیش به جهت پدید آمدن درگیری در میان دو قبیله در نجف اشرف، منطقه ناامن شد و رفت و آمد به مسجد کوفه قطع گردید.

من عائله مند بودم و تعدادی یتیم در تحت کفالت من بود. درآمد من تنها هدایایی بود که زائران و روحانیان به من بذل می کردند که با این اتفاق، زندگی شدیداً بر من سخت شد.

شب جمعه ای چیزی در بساط نبود و گریه ی بچه ها در اثر گرسنگی، آرامش دل را از من

ربوده بود.

من در میان «سفینه» (محل معروف به تنور) و «دکة القضاء» (محل داوری امیرمؤمنان) نشسته بودم و حال عبادت و مناجات نداشتم.

یک مرتبه بر زبانم جاری شد که‌ای پروردگار مهربان، اگر سرور و مولایم را به من نشان دهی، دیگر چیزی از تو مطالبه نمی‌کنم و از فقر و نداری خود شکایت نمی‌کنم.

یک مرتبه خود را در حال ایستاده دیدم و مشاهده کردم که در یک دستم سجّاده‌ای و دست دیگرم در دست جوان بزرگواری است که اثار عظمت و جلال از او نمایان است.

نخست تصور کردم که باید یکی از سلاطین جهان باشد؛ ولی متوجه شدم که عمامه بر سر دارد و لباس نفیس تیره‌رنگی بر تن مبارک‌اش است. و شخص دیگری در خدمت‌اش بود که جامه‌ای سفید بر تن داشت.

در محضر مبارک‌اش به سوی دکّه‌ای که در نزدیک محراب بود، به راه افتادیم، چون به دکّه رسیدیم، مرا به اسم خطاب کرده، فرمود:

«ای طاهر! سجّاده را پهن کن».

چون سجاده را پهن کردم، دیدم؛ بسیار سفید و درخشان است و چیزی با خط درخشنده‌ای بر آن نوشته شده که من جنس آن را تشخیص ندادم. من سجاده را با رعایت زاویه‌ی انحراف قبله‌ی مسجد پهن کردم. ایشان فرمود:

«سجاده را چه طور پهن کردی؟».

از هیبت‌اش طوری دست و پایم را گم کردم که گفتم: «آن را به طول و عرض پهن کردم».

فرمود: این عبارت را از کجا یاد گرفته‌ای؟ عرض کردم: از فرازی از دعای حضرت بقیة‌اللّه (ارواحنافداه) فرمود: «خوب است مقداری فهم داری»

بر فراز سجاده مشغول عبادت شد، همواره نور از او ساطع بود و لحظه به لحظه بیشتر می‌شد؛ به گونه‌ای که دیگر نمی‌توانستم به چهره‌اش نگاه کنم. یک مرتبه به دلم گذشت که این بزرگوار نباید از افراد عادی باشد. چون از نماز فارغ شد، دیدم که بر فراز یک کرسی بلندی نشسته که سایبان هم دارد، ولی نور جمال‌اش بسیار خیره کننده بود.

در آن لحظه تبسّمی نموده، فرمود:

«ای طاهر به نظر شما من کدام یک از سلاطین دنیا هستم؟».

عرضه داشتم: شما سلطان سلاطین و سید عالم هستی، می‌باشید، شما از سلاطین دنیا نیستید. فرمود:

«ای طاهر به خواسته‌ی خود رسیدی، دیگر چه می‌خواهی؟ آیا ما شما را همواره تحت نظر نداریم؟ مگر اعمال شما همه روزه بر ما عرضه نمی‌شود؟».

آنگاه وعده‌ی گشایش زندگی دادند، سپس فرمودند: «طاهر به خواسته‌ات رسیدی، دیگر چه می‌خواهی؟».

آن چنان از هیبت و جلالت‌اش خود را باختم که قدرت سخن گفتن نداشت. در یک لحظه خود را در صحن مسجد تک و تنها دیدم، چون به سوی مشرق نگریستم، دیدم که فجر طالع شده است.

شیخ محمدطاهر می‌گوید: سالها بعد که چشمان‌ام را از دست دادم و بسیاری از راه‌های کسب و کار به روی‌ام بسته شد، ولی هرگز به سختی نیفتادم و طبق وعده‌ی آن حضرت گشایش روشنی در زندگی‌ام پدید آمد.[۱۳۷]

۹. شیخ محمدتقی آملی

علامه‌ی طباطبائی (صاحب تفسیر المیزان) از استادش محروم سیدعلی قاضی نقل می‌کند که می‌گفت:

بعضی از افراد زمان ما مسلّماً محضر مبارک آن حضرت را درک کرده‌اند و به خدمتش شرفیاب شده‌اند.

یکی از آنها شیخ محمدتقی آملی (صاحب مصباح الهدی) متوفای ۱۳۹۱ هـ. بود که در مسجد سهله، در مقام صاحب الزّمان(علیه السّلام)، در حالی که مشغول ذکر و مناجات بود، آن حضرت را در میان نوری بسیاری قوی مشاهده کرد.[۱۳۸] دو هفته بعد، در مسجد کوفه، کعبه‌ی مقصود و قبله‌ی موعود بر او تجلی کرده، با او به گفت وگو پرداخته، به او شرف جاودانه اعطاء فرمودند.[۱۳۹]

۱۰. شیخ محمد کوفی

مرحوم حاج شیخ محمد کوفی که تشرفّات فراوان دارد و حامل پیام حضرت بقیّة اللّه

(ارواحنافداه) به مرحوم آیت اللّه اصفهانی بود،[۱۴۰] می فرماید:

در حدود سال ۱۳۳۵ هـ. در شب هجدهم ماه مبارک رمضان به مسجد کوفه مشرف شدم و تصمیم گرفتم که شبهای شهادت امیرمؤمنان را در آنجا بیتوته کنم و در حادثه ی بزرگ تاریخ بشریت، شهادت جان‌گداز مولای متقیان تفکّر نمایم.

نماز مغرب و عشا را در مقام مشهور به مقام امیرالمؤمنین (علیه السّلام) خواندم و برخاستم تا به گوشه‌ای از اطراف مسجد رفته افطار کنم.

افطارم در آن شب نان و خیار بود. به طرف شرق مسجد به راه افتادم، از طاق اول گذشتم، چون به طاق دوم رسیدم، دیدم بساطی پهن شده، شخصی عبا به خود پیچیده و بر روی آن بساط استراحت نموده است.

در کنار او شخص معمّمی در لباس اهل علم نشسته بود، به او سلام کردم، جواب سلام‌ام را داد و فرمود: «بنشین».

نشستم، از تک تک حال علما و فضلا پرسید، پاسخ دادم و گفتم: الحمدللّه حال شان خوب است و به خیر و عافیت هستند.

شخصی که در حال استراحت بود، جمله‌ای به او فرمود که من متوجّه نشدم و او دیگر سؤالی از من نکرد. پرسیدم این آقا که استراحت فرموده کیست؟ گفت:

«ایشان سیّد عالم است».

این تعبیر برای من مبالغه آمیز جلوه کرد، زیرا می دانستم که عنوان «سید عالم» تنها شایسته ی حضرت حجت (علیه السّلام) می باشد، و لذا گفتم: «پس این سیّد عالِم است»، گفت: «نه، ایشان سید عالَم است». من ساکت شدم و دیگر چیزی نگفتم و هم چنان از سخن او در شگفت بودم.

اوایل شب بود، همه جا در تاریکی فرو رفته بود، ولی نوری بر دیوارهای مسجد ساطع بود، گویی چراغ های فراوانی در مسجد روشن بود.

نظر به این که همه ی حواسّ من متوجّه سخن آن شخص بود، دیگر در مورد مبداء نور چیزی نیندیشیدم.

در این هنگام آن آقایی که مشغول استراحت بود، آب مطالبه کرد شخصی در جلو چشم من ظاهر شد که کاسه ی آبی در دست داشت. ظرف آب به را به ایشان تقدیم نمود که مقداری تناول کرد و سپس بقیّه‌اش را به من داد. من گفتم: تشنه نیستم.

آن شخص کاسه‌ی آب را گرفت، چند قدم برداشت و جلو چشم من ناپدید شد.

من هم برای ادای فریضه‌ی مغرب و عشا و تفکر در مصیبت عظمای امیرمؤمنان برخاستم.

آن شخص از من پرسید: کجا؟ هدف خود را گفتم، مرا تشویق نمود و در حق من دعای خیر نمود.

به مقام آمدم، چند رکعت نماز خواندم، کسالت بر من عارض شد، مقداری خوابیدم، وقتی بیدار شدم، دیدم هوا روشن است. خود را بسیار ملامت کردم که در چنین شبی که باید همه‌اش در مصیبت امیرالمؤمنین(علیه السّلام) اندوهگین باشم، چرا خوابیدم و از عبادت محروم شدم؟

در آن اثنا متوجه شدم که نماز جماعت برپاست؛ دو صف تشکیل شده و یک نفر بر آن‌ها امامت نموده است.

یکی از آن جمع مرا به اقامه جماعت سفارش کرد و گفت: این جوان را با خود ببرید. ایشان فرمود:

«او دو امتحان در پیش دارد، یکی در سال چهل و دیگر در سال هفتاد».[۱۴۱]

در این هنگام من برای وضو ساختن از مسجد بیرون رفتم، چون به مسجد بازگشتم، دیدم هوا کاملاً تاریک است و اثری از آن گروه نیست. تازه من به خود آمدم و متوجه شدم که:

۱. آن سید بزرگواری که استراحت نموده بود، همان سید عالَم و حجّت منتظر، امام عصر(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) بوده است.

۲. نوری که بر دیوارها ساطع بود، نور امامت و ولایت بود.

۳. نماز جماعت به امامت آن حضرت برگزار بود.

۴. آن گروه خواص اصحاب آن حضرت بوده‌اند.

۵. روشنی هوا نیز به جهت نور جمال، با هر النّور آن حضرت بوده است.

۶. کسی که برای آن حضرت آب آورده بود، از طریق اعجاز بوده است.[۱۴۲] این داستان دنباله‌ای بسیار لطیفی دارد که در ضمن مطالب مربوط به «مسجد سهله» توسّط آیة اللّه توحیدی، از شخص مرحوم کوفی نقل گردید.[۱۴۳]

پی‌نوشت‌ها:

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۲. سید رضی (متوفای ۴۰۶ ه.ق) گزیده‌ای از خطبه های امیر مومنان (علیه السلام) برفراز منبر مسجد کوفه را در کتاب بی نظیر «نهج البلاغه» گرد آورده است.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶؛ تاریخ الکوفه، ص ۱۰۰.

۴. روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۳؛ کشف الغّمه، ج ۲، ص ۴۶۳.

۵. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۶؛ فرحة الغری، ص ۲۱؛ کامل الزیارات، ص ۳۴.

۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۵۰؛ امالی شیخ صدوق، ص ۱۸۹؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۳۷؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۵۷.

۷. شهری بود در سرزمین فعلی نجف، به فاصله‌ی سه میل از کوفه (معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۲۸).

۸. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۴؛ تاریخ الکوفة، ص ۹۹.

۹. ارشاد شیخ مفید. ج ۲، ص ۳۸۰؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۴۶۸؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۵؛ کشف الغمة، ج ۲. ص ۴۶۴؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۳، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۷؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۷۶.

۱۰. کافی، ج ۳، ص ۴۹۲؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹۸.

۱۱. منظور این است که مسجد کوفه به صورت مربع بوده، به قدری از آن کم شده که اکنون به صورت مستطیل در آمده است.

۱۲. المزار الکبیر، ص ۱۲۹؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹۶.

۱۳. کافی، ج ۸، ص ۲۳۴؛ تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۵؛ الفقیه، ج ۱، ص ۱۴۸؛ تفسیر عیاشی. ج ۲، ص ۱۴۴؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۵۵؛ مستدرک وسائل، ج ۳، ص ۴۰۰؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۳۱؛ ج ۱۰۰، ص ۳۸۶؛ تفسیر برهان، ج ۵، ص ۱۳۰.

۱۴. کسری به سلاطین ایران گفته می شد.

۱۵. منظور از نعمان، «نعمان بن منذر» است. (مرآة العقول، ج ۲۶، ص ۲۹۶).

۱۶. بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۳۵۲.

۱۷. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۴۵۲.

۱۸. غیبت شیخ طوسی، ص ۴۷۵؛ منتخب الانوار المضیئه، ص ۱۹۴؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳؛ ج ۸۳، ص ۳۵۳؛ ج ۱۰۴، ص ۳۳۲.

۱۹. غیبت شیخ طوسی، ص ۴۷۳، اثبات الهداة، ج ۳ ص ۵۱۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.

۲۰. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۱-۴۳۴.

۲۱. غیبت نعمانی، ص ۳۱۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴؛ ج ۹۲، ص ۵۹.

۲۲. غیبت نعمانی، ص ۳۱۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵.

۲۳. غیبت نعمانی، ص ۳۱۸، بحار الانوار، ج ۵۲. ص ۳۶۴.

۲۴. همان.

۲۵. روضة الواعظین، ج ۱، ص ۲۶۲؛ کشف الغّم، ج ۲، ص ۴۷۵، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۰.

۲۶. ارشاد شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۷۵؛ کشف الغّمه، ج ۲، ص ۴۶۰؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۶۳؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۴۹؛ عقد الدّرر، ص ۵۱، البرهان. متقی هندی. ص ۱۱۵.

نیز رک. غیبت نعمانی، ص ۲۷۷، غیبت شیخ طوسی، ص ۴۴۶؛ بشارة الاسلام، ص ۱۱۶، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۲۸؛ بحارالانوار. ج ۵۲، ص ۲۱۰.

۲۷. العدد القویّه، ص ۷۷، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵.

۲۸. تاریخ الکوفه، ص ۱۷۸.

۲۹. ارشاد شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۷۷، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۱، الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۰.

۳۰. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۳؛ تفسیر البرهان، ج ۵، ص ۴۸۵.

۳۱. الایقاظ من الهجعة، ص ۳۳۳؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۲؛ مختصر بصائر الدّرجات، ص ۲۷.

۳۲. تفسیر عیّاشی، ج ۲، ص ۴۲۹؛ دلائل الامامه، ص ۴۵۳؛ حلیة الابرار، ج ۲، ص ۶۸۱؛ تاءویل الایات الظاهره، ج ۲، ص ۵۰۹؛ تفسیر البرهان، ج ۵، ص ۴۸۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶؛ ج ۶۳، ص ۲۵۴.

۳۳. سوره هود (۱۱) آیه ۳۷.

۳۴. کافی. ج ۸، ص ۲۳۴؛ تفسیر عیّاشی، ج ۲، ص ۳۰۶؛ تفسیر برهان، ج ۵، ص ۱۳۰، تفسیر کنز الدّقایق، ج ۶، ص ۱۵۷.

۳۵. سوره هود (۱۱) آیه ۴۰.

۳۶. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۰۸.

۳۷. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۰۸؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۷۸؛ مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۴۷.

۳۸. علامه مجلسی فرموده: منظور «محل اجتماع پیامبران» محل اجتماع پیامبران به هنگام رجعت در هنگامه‌ی ظهور امام زمان (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) می باشد. (مرآة العقول، ج ۱۵، ص ۴۹۰).

۳۹. در حدیث پیشین سرّه با سین به معنای ناف و در این حدیث صُرّه با صاد به معنای کیسه، مکان شریف و مرتفع می باشد. اگر به معنای کیسه باشد به این مناسبت است که اشیای قیمتی را در کیسه قرر می دهند (مرآة العقول، ج ۱۰، ص ۴۹۰).

۴۰. کافی، ج ۳. ص ۴۹۳، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۲، المزار الکبیر، ص ۱۲۵، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۵۱؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۵۸؛ ج ۱۰۰ ص ۳۸۷؛ مستدرکات وسائل، ج ۳، ص ۴۰۲.

۴۱. ابن ابی الحدید می گوید: تعبیر نیرنگ اشاره به شهادت خویش در این مسجد می باشد. (شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۱۳۳.)

۴۲. مرآة العقول، ج ۲۶، ص ۲۹۸.

۴۳. سوره هود (۱۱) آیه ۴۴.

۴۴. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۳؛ کامل الزیارات، ص ۳۸؛ تفسیر برهان ج ۵، ص ۱۳۴؛ تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۴۹؛ تفسیر کنزالدقایق، ج ۶، ص ۱۷۴؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۲۶۸؛ ج ۸۲، ص ۶۶؛ ج ۱۰۰، ص ۲۵۸.

۴۵. سوره مؤمنون (۲۳) آیه ۵۰.

۴۶. تفسیر عیاشی، ج ۳، ص ۱۳۴؛ معانی الاخبار، ص ۳۷۳؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۷۲؛ تفسیر البرهان، ج ۷، ص ۲۴؛ تفسیر صافی، ج ۳، ص ۴۰۱؛ تفسیر کنز الدقایق، ج ۹، ص ۱۹۱؛ بحار الانوار ج ۱۴، ص ۲۳۹؛ ج ۶۰، ص ۲۰۲.

۴۷. امالی شیخ طوسی. ج ۱، ص ۳۶۹؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۸۳؛ بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۴۰.

۴۸. روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۰۹.

۴۹. کامل الزیارات. ص ۲۶۹؛ بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۰۹.

۵۰. رجال کشی، ص ۲۰، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۸۶.

۵۱. کافی، ج ۴، ص ۵۸۶؛ الفقیه، ج ۱، س ۲۸۳؛ تهذیب، ج ۵، ص ۴۳۱؛ استبصار، ج ۲، ص ۳۳۵؛ کامل الزیارات، ص ۲۴۹؛ مصباح المتهجد، ص ۶۷۴؛ فقه الرضا، ص ۱۶۱؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۲۸؛ مستدرک وسائل، ج ۶، ص ۵۴۵؛ بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۷۷؛ ج ۱۰۱، ص ۸۳.

۵۲. کافی، ج ۴، ص ۱۷۶؛ تهذیب، ج ۴، ص ۲۹۰؛ استبصار، ج ۲، ص ۱۲۶؛ المقنع، ص ۲۰۹؛ المقنعه، ص ۳۶۳؛ فقه الرضا، ص ۱۹۰؛ مصباح المتهجد، ص ۶۳۵؛ المختلف، ص ۲۵۱؛ اقبال الاعمال، ص ۱۹۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۵۴۰؛ مستدرک وسائل، ج ۷، ص ۵۶۲؛ بحار، ج ۹۶، ص ۳۲۴؛ ج ۹۷، ص ۱۲۹؛ ج ۹۸، ص ۱۵۰.

۵۳. الفقیه، ج ۱، ص ۱۵۰؛ خصال، ج ۱، ص ۱۴۳؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۵۷.

۵۴. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۴؛ کامل الزیارات، ص ۲۷؛ مزار شیخ مفید، ص ۱۹؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۵۴؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۶۵؛ مستدرکات وسائل، ج ۳، ص ۲۳.

۵۵. کامل الزیارات، ص ۲۸؛ مزار شیخ مفید، ص ۲۰؛ المزار الکبیر، ص ۱۲۲؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۲؛ وسائل، ج ۵، ص ۲۵۶؛ جامع الاخبار، ص ۶۹؛ بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۷۶.

۵۶. الفقیه، ج ۱، ص ۱۵۰؛ امالی شیخ صدوق، ص ۱۸۹؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۳۷؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۵۷.

۵۷. همان.

۵۸. الغارات، ج ۲، ص ۴۱۵.

۵۹. شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۱۳۳؛ الغارات، ج ۲، ص ۴۱۵؛ المزار الکبیر، ص ۱۲۷.

۶۰. مرآة العقول، ج ۱۵، ص ۴۸۷.

۶۱. کامل الزیارات، ص ۳۳؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۰۴؛ کافی، ج ۳، ص ۴۹۲.

۶۲. امالی شیخ طوسی، ج ۱، ص ۴۱۶؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۳۴؛ بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۳۴۶؛ ج ۱۰۰، ص ۳۹۲.

۶۳. کافی، ج ۳، ص ۴۹۲؛ جامع الاخبار، ص ۷۰؛ ثواب الاعمال، ص ۳۰؛ الفقیه، ج ۱، ص ۱۵۰؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۵۲؛ بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۷۷.

۶۴. کافی، ج ۸، ص ۲۳۵؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۸۷.
۶۵. تفسیر عیاشی، ج ۳، ص ۳۵؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰. ص ۴۰۵.
۶۶. المزار الکبیر، ص ۱۲۹؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹۵.
۶۷. المزار الکبیر، ص ۱۲۶؛ مستدرک وسائل، ج ۳، ص ۴۰۳؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹۴.
۶۸. مستدرک وسائل، ج ۳، ص ۴۰۴؛ المزار الکبیر، ص ۱۳۰؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹۶.
۶۹. امالی شیخ طوسی، ج ۲، ص ۴۲۹؛ امالی شیخ صدوق، ص ۳۱۵؛ الغارات، ج ۲، ص ۴۱۳؛ مستدرک وسائل، ج ۳، ص ۳۹۹.
۷۰. کافی، ج ۳، ص ۴۹۱؛ امالی طوسی، ج ۲، ص ۴۲۹؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۱۰؛ الغارات، ج ۲، ص ۴۱۳؛ مزار شیخ مفید، ص ۲۱؛ المزار الکبیر، ص ۱۲۳؛ تهذیب، ج ۳، ص ۲۵۰؛ امالی صدوق، ص ۳۱۵؛ المحاسن، ج ۱، ص ۱۲۸؛ جامع الخبار، ص ۸۲؛ کامل الزیارات، ص ۲۸؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹۱.
۷۱. الفقیه، ج ۱، ص ۱۴۷؛ مزار شیخ مفید، ص ۲۲؛ ثواب الاعمال، ص ۳۰؛ کامل الزیارات، ص ۲۹؛ مصباح کفعمی، ص ۱۳؛ بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۴۲.
۷۲. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۱؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۶۰.
۷۳. الفقیه، ج ۱، ص ۱۴۸؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۸۹.
۷۴. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۲؛ مزار شیخ مفید، ص ۲۱؛ کامل الزیارات، ص ۲۸؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۱۰؛ جامع الاخبار،
ص ۶۹؛ المزار الکبیر، ص ۱۲۲؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۵۷؛ مستدرک وسائل، ج ۳، ص ۴۰۶؛ بحار الانور، ج ۸۳، ص ۳۷۶.
۷۵. کامل الزیارات، ص ۲۹.
۷۶. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۳؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۵۸.
۷۷. کامل الزیارات، ص ۳۰، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۵۹.
۷۸. کامل الزیارات، ص ۲۸؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۰۰.
۷۹. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۲۵؛ کامل الزیارات، ص ۳۱؛ ثواب الاعمال، ص ۳۰؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۹؛ بحار الانوار،
ج ۸۳، ص ۳۷۲.
۸۰. الفقیه، ج ۱، ص ۱۵۰؛ امالی شیخ صدوق، ص ۱۸۹؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۳۷؛ وسائل الشیعه، ج ۵. ص ۲۵۷.
۸۱. غیبت شیخ طوسی، ص ۴۴۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۵.
۸۲. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۳۸.
۸۳. تاریخ وهابیان، نگارنده ی سطور، ص ۲۰-۲۸.
۸۴. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۱؛ ج ۶. ص ۳۲؛ مزر شیخ مفید، ص ۲۱؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۷۷؛ مصباح الزّائر، ص ۹۹.
۸۵. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۵۴؛ کامل الزیارات، ص ۲۷؛ مزار شیخ مفید، ص ۱۹.
۸۶. دلائل الامامة، ص ۳۴۳.
۸۷. اعلام الوری، ج ۲، ص ۹۶؛ روضة الواعظین، ج ۱، ص ۲۴۲؛ دلائل الامامه، ص ۴۰۵؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۵۹؛ بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۳۷۶.
۸۸. روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۲۳؛ کشف الیقین، ص ۳۲۰؛ فضائل ابن شاذان، ص ۱۲۱؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۰۰.
۸۹. الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۷۰۶؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۲۰؛ الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۱۰۵ - ۱۰۸؛ بحارالانوار، ج ۲۴، ج ۴۱، ۲۵۵، ۲۶۰ و ۲۹۰؛ الصّراط الأغانی، ج ۷، ص ۲۵۷؛ مستدرک وسائل، ج ۳، ص ۴۶۹.
۹۰. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۴۰۴؛ الاختصاص، ص ۳۰۲؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۴۸؛ مناقب ابن شهراشوب، ج ۲، ص ۳۵۹؛ مستدرک وسائل، ج ۳، ص ۴۶۹؛ تفسیر فرات، ج ۲، ص ۲۲۹؛ الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۷۴۷.
۹۱. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۱؛ جنات ثمانیه، ص ۳۳۸.
۹۲. تاریخ الکوفه، ص ۵۴.
۹۳. المزار الکبیر، ص ۱۵۴-۱۷۷؛ کافی، ج ۳، ص ۴۹۳؛ مزار شهید، ص ۲۴۹ - ۲۶۴؛ مصباح الزائر، ص ۷۴ - ۹۹؛ بحارالانوار، ج ۱۰۰،
ص ۳۸۵ - ۴۲۶.
۹۴. تهذیب، ج ۳، ص ۲۵۱؛ ج ۶. ص ۳۳؛ کافی، ج ۳، ص ۴۹۳؛ مزار شیخ مفید، ص ۲۳؛ جامع الاخبار، ص ۸۲؛ المزار

الکبیر، ص ۱۳۱؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۶۴؛ رجال نجاشی، ص ۳۵؛ رجال کشی، ص ۵۱۶، رجال علامه حلی، ص ۳۹، بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۷۷؛ مستدرک وسائل، ج ۳، ص ۴۰۹.

۹۵. کافی، ج ۳، ص ۴۹۳؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۰۱.

۹۶. تهذیب، ج ۶، ص ۳۳؛ بحار، ج ۸۳، ص ۳۷۷.

۹۷. کافی، ج ۳، ص ۴۹۳.

۹۸. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۵۰.

۹۹. تاریخ الکوفه، ص ۵۳.

۱۰۰. الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۱۸۹؛ الثّاقب فی المناقب، ص ۲۴۸؛ مدینة المعاجز، ج ۱، ص ۱۴۱.

۱۰۱. تاریخ الکوفه، ص ۵۴.

۱۰۲. مزار شهید، ص ۲۴۹.

۱۰۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۸. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۳.

۱۰۴. فرحة الغریّ، ص ۱۰۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۸۲.

۱۰۵. سوره نوح (۷۱) آیه ۲۸، یعنی: خدایا، مرا، پدر و مادرم را، هر کسی را که با ایمان وارد خانه‌ی من شوند، ببخش و بیامرز.

۱۰۶. طبقات أعلام الشیّعه، قرن دهم، ص ۱۴۳؛ ریاض العلماء، ج ۳، ص ۳۲۱؛ روضات الجنّات، ج ۱، ص ۸۱.

۱۰۵مسجد حنانه، در بیرون نجف اشرف، در شمال آن، در طرف چپ کسی که از نجف به سوی کوفه حرکت می کند، قرار دارد. این مسجد یکی از سه نقطه‌ای است که امام صادق(علیه السّلام) در آنجا نماز گزارده، به هنگام حمل اسرای کربلا، رأس مطهر امام حسین(علیه السّلام) را در آنجا بر زمین نهاده‌اند و به هنگام عبور دادن تابوت حضرت علی (علیه السلام) برای دفن در سرزمین غریّ، دیوار آن از شدت غم و اندوه خم شدهٔ است [امالی شیخ طوسی، ج ۲، ص ۶۸۲؛ بحارالأنوار، ج ۱۵، ص ۱۶۰؛ ج ۴۲، ص ۲۳۶؛ ج ۱۰۰، ص ۴۵۵] بر اساس نقل صاحب نزهة القلوب این دیوار به صورت متمایل تا قرن هشتم باقی بود. [ماضی النجف و حاضرها، ج ۱، ص ۱۰۰] مسجد حنانه اعمالی دارد که در کتب مزار آمده است [مزار شهید، ص ۶۹؛ جنّات ثمانیه، ص ۳۴۳].

۱۰۸. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۷۴.

۱۰۹. روضات الجنّات، چاپ آخوندی، ج ۱، ص ۱۹۵، پاروقی محقّق بی نظیر، علاّمه سیدمحمدعلی روضاتی.

۱۱۰. الأنوار النعمانیّة، ج ۲، ص ۳۰۳.

۱۱۱. دارالسلام عراقی، ص ۲۸۲؛ الکنی والألقاب، ج ۳، ص ۲۰۱؛ سفینة البحار، ج ۲، ص ۳۳۷؛ الزام النّاصب، ج ۲، ص ۵۱؛ لؤلؤة البحرین، ص ۱۴۹؛ أنیس المسافر، ج ۱، ص ۲۶؛ مهدی موعود (ارومیه‌ای)، ج ۱، ص ۷۷۲؛ مهدی موعود (دوانی)، ص ۹۳۴؛ مشاهیر اسلام، ج ۴، ص ۲۴۲؛ جنّة الماءوی، ص ۱۹۹؛ داستانهایی از امام زمان، ص ۲۹۹؛ الامام المهدی من المهد الی الظّهور، ص ۳۱۷.

۱۱۲. نجم ثاقب، ص ۵۸۸؛ منتهی المقال، ج ۱، ص ۳۱۲؛ منتهی الامال، ج ۲، ص ۴۷۰؛ العبقری الحسان، ج ۲، ص ۶۴؛ عنایات حضرت مهدی موعود به علما و مراجع، ص ۵۸؛ تشرّف به محضر مهدی موعود، ص ۳۱.

۱۱۳. روضات الجنات، ج ۱، ص ۸۰؛ چهره هایی که در جستجوی قائم پیروز شدند، ص ۲۹.

۱۱۴. منتخب الاءثر، ج ۲، ص ۵۴۷.

۱۱۵. الزام النّاصب، ج ۲، ص ۵۱؛ قصص العلماء، ص ۳۴۴.

۱۱۶. زیرا: اوّلاً علامه ی مجلسی آن را از منابع مختلف «میرعلاّم» نقل کرده، ثانیاً در متن انوار نعمانیه «میرعلاّم» ذکر شده، ثالثاً صاحب روضات تصریح کرده که ضبط آن «میرعلاّم» بوده، رابعاً به طوری که از صاحب الذّریعه نقل کردیم، مقدّس اردبیلی شاگردی به نام «میرعلاّم» و شاگرد دیگری به نام «میرفیض اللّه» داشته، دیگر معنی ندارد که میرعلاّم را به میرفیض اللّه حمل کنیم.

۱۱۷. ریحانة الادب، ج ۱، ص ۲۳۴.

۱۱۸. هدیة الأحباب، ص ۱۱۸.

۱۱۹. فوائد رضویه، ص ۶۷۶.

۱۲۰. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۳.

۱۲۱. ریحانة الأدب، ج ۱، ص ۲۳۴.

۱۲۲. سفینة البحار، ج ۸، ص ۶۵۷؛ هدیة الأحباب، ص ۱۱۷.

۱۲۳. قصص العلماء، ص ۱۷۳؛ العبقری الحسان، ج ۲، ص ۶۸؛ امام زمان (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) و سید بحرالعلوم، ص ۱۶۱.

۱۲۴. نجم ثاقب، ص ۶۱۴؛ بحار الاءنوار، ج ۵۳، ص ۲۳۶؛ جنّة

المأوی، ص ۵۱.

۱۲۵. فصلنامه ی انتظار، ش ۶، ص ۳۴۲.

۱۲۶. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۳۴؛ فوائد رضویه، ص ۶۷۸؛ المختار من کلمات الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۵۷.

۱۲۷. ملاقات با امام زمان، ج ۱، ص ۲۹۰؛ دیدار یار، ج ۲، ص ۱۹۷؛ امام زمان و سیدبحر العلوم، ص ۶۳ و ۱۵۸.

۱۲۸. نجم ثاقب، ص ۶۳۲؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۴۰؛ جنة المأوی، ص ۵۶؛ منتهی الامال، ج ۲، ص ۴۷۸؛ ملاقات با امام زمان، ج ۱، ص ۱۲۰؛ دیداریار، ج ۲، ص ۱۸۳؛ چهره هایی که در جستجوی قائم(علیه السّلام) پیروز شدند، ص ۷؛ العبقری الحسان، ج ۲، ص ۱۴۶؛ شیفتگان حضرت مهدی، ج ۲، ص ۱۶۵.

۱۲۹. دکّة القضا، محل داوری امیرمؤمنان(علیه السّلام) در دوران خلافت ظاهری آن حضرت بود.

۱۳۰. دارالسلام، ج ۲، ص ۱۴۰؛ نجم ثاقب، ص ۶۳۰؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۶۳؛ جنة الماءوی، ص ۸۱؛ العبقری الحسان، ج ۲، ص ۱۴۶؛ ملاقات با امام زمان، ج ۱، ص ۲۶۸؛ دیدار یار، ج ۲، ص ۲۹۳.

۱۳۱. العبقری الحسان، ج ۱، ص ۱۰۹.

۱۳۲. دارالسلام، ج ۲، ص ۲۰۰.

۱۳۳. دُخن به دانه ی ارزن می گویند[لسان العرب، ج ۴، ص ۳۱۰.]

۱۳۴. رحبه، نام محلّی در یک منزلی کوفه است [معجم البلدان، ج ۳، ص ۳۳].

۱۳۵. الزام النّاصب، ج ۲، ص ۶۳؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۵۷؛ نجم ثاقب، ص ۶۲۹؛ جنّة المأوی، ص ۷۵، العبقری الحسان، ج ۲، ص ۱۰۷؛ دیدار یار، ج ۲، ص ۲۴۶.

۱۳۶. العبقری الحسان، ج ۱، ص ۱۰۷.

۱۳۷. نجم ثاقب. ص ۵۷۸؛ العبقری الحسان، ج ۲، ص ۲۲۳.

۱۳۸. نجم ثاقب، ص ۵۷۵؛ العبقری الحسان، ج ۲، ص ۱۱۳؛ ملاقات با امام زمان، ج ۱، ص ۲۴۵؛ دیداری یار، ج ۳، ص ۱۰۵.

۱۳۹. مجله ی انتظار، ش ۶، ص ۳۴۴.

۱۴۰. مهرتابان، ص ۱۴۷؛ دیدار یار، ج ۳، ص ۳۴۳؛ شیفتگان حضرت مهدی، ج ۱، ص ۲۱۹؛ توجهات ولی عصر به علما و مراجع، ص ۱۵۲.

۱۴۱. مجله ی انتظار، ش ۶، ص ۳۴۹.

۱۴۲. یعنی: سال ۱۳۴۰ هـ. و ۱۳۷۰ هـ.

۱۴۳. العبقری الحسان، ج ۱، ص ۱۲۰؛ ملاقات با امام زمان(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف)، ص ۲۸۳.

۱۴۴. مجله ی انتظار، ش ۶، ص ۳۴۸.